

### ارتجاع حاکم و حاکمیت اوین

برای خمینی که بیش از هر زمان دیگر حفظ حکومت خود را درگرو تشدید خنثی و خونریزی می دانست انتقال لاجوردی از اوین بسیار رنای خوشایند است ، اما حکومت اوین نیز مثل دیگر حکومت های استبدادی و ارتجاعی ، در برابر بحران های گلویش را می فشرد و در زیر تیغ نفرت شده ها ، از یک سویر شمار جلادها پیش می آفراید و از سوی دیگر ناچار است فریبکاران و نه برخی از منفورترین آنها را به پس پرده براند .

علیرغم کشتارهای شدید درون هیأت حاکمه ارتجاعی همه دسته بندیها همانگونه که در رویا رویی با مردم بر منافع مشترک خودتکمی می کنند در پیگرد و شکنجه و کشتار انقلابیون و صیحن پرستان همدل و همدست اند . روحانیون حاکم در صدور فتاوی شکنجه و کشتار و فرزند ان گرامی خلیق هیچکدام از "امام" خود عقب نمی مانند . اما همفکران "عاقل" خمینی دریا فتند که با یسد بیشتر پرده پوشی کنند و سیاهی گریه و خونین حکومت خود را در جلابی سلطنتی حکم تر مستورا زنده تا به قبول خود از "دافعه" بگاهند ، ایفان با همه دنا شاست و ولایت خود تا مدی فهمیدند که چگونه بوی تعفن حکومت شان را در میان مردم رومی آزار داد و اینرو برای "حفظ آبروی حکومت اسلامی" بنیان کنی و استفاده ارتجاعی بیشتر فرشته تروشیوه های زیرکانه تر بیگریسد و شکنجه و کشتار را پیشنها می کنند .

لاچوردی و شبکا را ن همگروی هر با رکه به قاضی رفتند و قاضی برگشتند ، آنها برای اثبات "حقانیت" خود بالای سر شهید نقل قولی رسا و گویا از امامشان آویزان می کنند و فریادها و تروشیوه های شمارگسوس شهیدان از "امام" امضا نشان دهند .

همدستان "عاقل" ایفان در حالی که کسه می کوشند حرف خود را به نقل قولی متکی سازند و برای "استحکام" موقعیت خود گویشت انقلابیون را به دندان می جویند برای "حفظ حکومت اسلام" و "حرمت" امام "دعوت به" "هوشیاری" و "ملاطفت پستی" و "استفاده صحیح تر از وسایل" می کنند .

اما شعله های خشم و نفرت مردم را با تشدید خونریزی و با هیچیک از این "تدابیر" نمی توانستند خاموش کنند .

دستگاه سرکوب و ستم نمی تواند با رزات روبه رشد مردم و بحران درونی رژیم رها کند ، بعکس در راستای گسترش جنبش و تشدید بحران حکومت توان این دستگاه کاهش می یابد و شمشیر شکنجه و خنثی کنی کندی اثر نمی گردد .

توده های میلیونی که تجربه انقلاب بهمین رایش رو دارند و آماج دهنده نشانه ترین شکل بهره کشی و ستم هستند تسلیم سیاست زور و رعب رژیم نمی شوند . مردم فریب حرفها و القاب و عناوین سران جمهوری را نمی خورند ، آنها دیگر "ولی فقیه" و "امیرمسند مستضعفان" را می شناسند ، آنها همانطور که از سفره خود خبردارند از دستاورد های حاکمیت اسلامی هم خبر می یابند .

رژیم در برابر این مردم می کوشد تا یکبارگی خود را حفظ کند ، می کوشد تا همه دسته بندیهای حکومتی بر پایه منافع مشترکشان در مقابل مردم اختلافها را کنار بگذارد ، اما تضادهای درونی حکومت فرمایشی نیستند ، این تضادها چشم و گوش برای متعابعت از "ولی فقیه" ندارند ، این تضادها ریشه در واقعیت های عینی این رژیم دارند و سران جمهوری هم ، علیرغم حرفهای خویش ، همانطور که مواظبت اموال خود هستند از این تضادها مواظبت می کنند و به دست خود آنها را رشد می دهند ، چرا که ارتجاع به دست خود گور خود را می کند .

البت خمینی در برابر نفرت فزاینده توده های میلیونی از این همه جنایتها و خونریزی ناچار است به پنهن کار و شیوه های حساب شده تیروری آورد ، ایفان همانطور که ناچار شدند تا سقوط مهره های سوختن ای چون توکلی و عسکری ولادی باشند ، بناچار سقوط لاجوردی از تخت حاکمیت اوین را نیز شاهد شدند ، این میوه های کندیه و مسوم و زوش پیکیار توده ها فرمی افتند ، اما نه از آن زمان که ارتجاع ، ارتجاع آنها را در دامن خود پنهان می کند و پنهان می دارد ، اما مثال لاجوردی اینبار حاکمیت اسلامی را محکم تر بر می کشند و از پشت پرده با انقلابیون مقاتله می کنند ، اما در مکه "امام" حاضر و ارتجاع با برجا و فتوای "مقاتله" معتبر ، جای جلاد نیسز محفوظ است .

### شهادت قهرمانانه رفیق قربانعلی مؤذنی پور

عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تشکیلات اصفهان و فارس را به کار بست ، در ادبیهشت ماه ما مورین ردفیق را یافتند و این فرزند پاکباز خنثی خلق را به شهادت رساندند .

رژیم منفور پهلوی هم در خواب و خیال نا بودی سازمانها ، فداییان بسیاری را به جوخه عدا مسپرد و یا در شکنجهگاه و در جریان نبرد های خیابانی شهید کرد ، اما سرانجام ما ماندم و حکومت پهلوی به زباله دان تاریخ پرتاب شد .

رژیم جمهوری اسلامی دمستانه ترا از اسلاف خود آرزوهای پهلوی ها و قاچارها را برای نا بودی جنبش انقلابی ما تعقیب می کند ، اما حکومت خمینی نیز هرگز به این اهداف دست نخواهد یافت . با زهم ما خواهیم ماند ، با زهم ما پیروزی تویم و با زهم ما خواهیم دید .

فداییان خلق از شهید کمیته مرکزی خویش برای نبرد هر چه قا طعتر علیه ارتجاع ، علیه دشمنان مردم الهام می گیرند ، رفیق قربان در قلب فدا یگان جاودانه زنده است ، او در سنگرهای رزم کنار ما ست و همراه ما ، همراه ما میلیونها مردم با خاسته ایران شادند و رو بیختن با رگه استم ، نا بودی ارتجاع حاکم و سرانجام آزادی میهن و پیروزی مردم خواهد بود .

رفیق قربانعلی مؤذنی پور (رفیق احمد) عضو مشاور کمیته مرکزی و دبیر کمیته های ایالتی فارس و اصفهان به دست عمال شبکا حکومت خمینی به شهادت رسید ، رفیق قربانعلی مؤذنی پور از مسئولین قدیمی سازمان ما بود ، فعلا ن جنبش او را به خوبی می شناختند .

دشمن هم او را خوب می شناخت ، حکومت اوین و پرورنده های ساواک او را در اختیار داشت ، موقعیت او را می دانست ، در شیراز و اصفهان و در زادگاهش هر فدایی خلق را دستگیری کرد و او را می خواست . رفیق قربانعلی مؤذنی پور از زهربران سازمان ما بود و به همین جهت حکومت اوین ، مانده اسلیرفتی رهبری در بندرنیال اومی گشت . برای دستیابی به او و همسر او همراه با فرزندان در قتلوبوک سلسه اوستگیری روانه شکنجهگاه نمودند تا به رفیق دست یابند ، اما ما مورین با این روشهای فاشیستی قاتل شدند ، رفیق قربان دست یابند ، او و علیرغم پیگرد های شدید حکومت ، در سخت ترین شرایط ، تدا بیبر لازم برای خنثی کردن ضربات حکومت علیه

### "قانون" نابودی مطبوعات

۱۹ بهمن ۶۲ ، مجلس شورای اسلامی کلیات طرح "قانون مطبوعات" جمهوری اسلامی را به تصویب رساند . در تک مواد این قانون تلاشهای ارتجاعی و فاشیستی هیأت حاکمه علیه دمگراسی عیان و آشکار بیان شده است . هدف این طرح آن است که سیاست رژیم را در لگد مال کردن آزادی مطبوعات قلم ، بیان عقیده و استقرارا نسور شدید ، که مدتهاست به مجوزهای شرعی آیت الهای مرتجع و بزور سر نیسزه ارگانهای سرکوب باچارا در می آید ، قانونی "کند" تصویب این "قانون" بهیچوجه ، به معنای آغاز یورش به مطبوعات آزادمترقی نیست . چرا که در رژیم جمهوری اسلامی آنچه وجود ندارد ، آزادی مطبوعات و بیان آزادانه نظرات ، انتقادات و عقاید است ، آنچه که موجود است و جمهوری اسلامی از جمله بآن معرفی می شود ، دیکتاتوری و استبداد در پیوش مذهب است .

مطابق این طرح ارتجاعی ، خفقان حتی گریبان مطبوعات حکومتی و شرکای ناراضی هیأت حاکمه را نیز خواهد گرفت . یکی از نمایندگان مجلس حکومتی بقیه در صفحه ۳

جاودان بساد و پرره - روره او

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
شهادت حماسی رفیق قربانعلی مؤذنی پور  
تجلی عزم و رزم انقلابی مردم علیه ارتجاع  
در صفحه ۲

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
روز جهانی زن گرامی باد!  
در صفحه ۲

بیم کمیته مرکزی حزب توده ایران  
به مناسبت ۱۹ بهمن  
در صفحه ۳

### تلاش زبوانه رژیم برای احیاء نظام ارباب و رعیتی

پیروا مون لایحه "حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی"

فعالیت کند و دولت موظف است با فراهم آوردن شرایط مناسبی از قبیل فروش یا اجاره ابزار تولید و ماشین آلات مشابه و دیگر تحویل مواد عروسه کردن خدمات و تسهیلات دولتی به کارگاههای تولیدی و بخشهای خصوصی "۱۰۰٪ سرمایه داران حمایت نامیده (اطلاعات - ۶۲/۱۰/۲۵) و وظایفی که این لایحه به دولت و بخش دولتی محول کرده است ، دولت و بخش دولتی را به هم هنگ کنند و رابطه بخش خصوصی با سرمایه های امپریالیستی و در واقع به یکی از عوامل موثر گسترش و تعمیق وابستگی اقتصاد به کشورهای امپریالیستی مبدل خواهد ساخت . بدین ترتیب سرمایه داران رژیم علنا قانون اساسی خود را که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی مبتنی بر بخشهای سه گانه دولتی ، تعاونی و خصوصی تعریف کرده است و بخش خصوصی را بعنوان مکمل دولت و بخش دیگر معین ساخته است به کناری انداخته اند .

سازمانها پس از سال وعده وصحبت از "عدالت اسلامی" و "اقتصاد توحدی" مجلس کلیات لایحه . بقیات ارتجاعی "حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" را به تصویب رساند و به روشنی نظام اقتصادی مورد نظر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را عیان ساخت .

این لایحه نه تنها تمام و کمال تا مین کشته منافع کلان سرمایه داران و خاندانها و فئودالهاست ، بلکه سرمایه داران و فئودالها را تا مین منافع اینها را نگذاشت ، بلکه به بطور آشکاری خواهد ساخت و مناسبات اجتماعی را متناسب با خواست بزرگ مالکان بسیار به عقب برگرداند . این لایحه در بند بند آن نمایانگر "اصول" بقیات فئودالی و بسا ربدو و ارتجاعی است .

فصل اول لایحه مورد بحث که به "فعالیت تولیدی بخش خصوصی در صنعت" اختصاص یافته است ، بخش خصوصی را به بخش کلیدی در نظام اقتصاد جمهوری اسلامی و دولت را به کارگزاران آن مبدل ساخته است . در این قسمت تأکید شده است که بخش خصوصی مجاز است بدون هیچ محدودیتی در تمام صنایع

جنبش نظام اقتصادی که حکا خا شن جمهوری اسلامی برای استقرار آن می کوشد ، رندها هنگ بخشهای اقتصاد گوناگون را تخریب می کند ، وابستگی اقتصاد دکتور بسا امپریالیستها را تداوم می دهد ، نابرابری در توزیع درآمد در نتیجه فقر و محرومیت را افزایش می دهد ، همه شروتهای جامعه را در دست تعداد معدودی سرمایه دار بزرگ متمرکز می سازد و کارگران و رنجبران را به تنگنایس شدید و بدوی مورد استثمات قرار می دهد . بقیه در صفحه ۴

ضرورت و فوریت اتحاد  
در صفحه ۴

### جنگ را قطع کنید ، مردم صلح می خواهند

## اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## روز جهانی زن گوامی باد!

## بیم کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت ۱۹ بهمن

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رفقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران به نام پیوندگسی از طرف همه اعضا و هواداران حزب توده ایران چهاردهمین سالگرد تأسیس سازمان رزمنده شما را صمیمانه تبریک می گوید و برای شما همه اعضا و هواداران پیکارگان در تبریکات فراخ را از روی موفقیتها و بازهم بیشتری می کند.

رفقا! یک سال دیگر رساله های کاویکا رسا زمان برافشار شما که در کوره مبارزات پیچیده و دشوار بغاظر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی آبدیده تر شده است، افزوده شد، سالی که عیار و ولایت انقلابی سازمان شما را در مبارزه پرشور و عادلانه اش بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بیش از پیش نمایان ساخت.

شعبه ادوات موسمی که به ااراده امیرالیسم و ارتجاع برپیکر انقلاب شکوهمند فدا میریالیستی، ضد دیکتاتور و مردمی میهن ما زخمها و جراحات عمیق نشاند، نتوانست بر ااراده استوار سازمان رزمنده شامسطما و اارادمانه.

هدف یورش سبانه امیرالیسم و ارتجاع و اماننده قرون وسطایی بر حزب توده ایران - حزب پیشاهنگ طبقه کارگر ایران و سازمان برادر - ما سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران، ما نمانده میهن ما بودی سنگر اصلی و خاکریز اول دفاع از انقلاب، دفاع از استقلال و آزادی میهن و دفاع از حقوق اجتماعی زحمتکشان میهن ما و برقراری استبداد در پویش مذهب برای حفظ و حراست رژیم استعماری بنیاد و ارتوده های زحمتکش بوده است.

این و سایر گرای دهنشناک به سوی تاریکی و ظلمات استبداد قرون وسطایی برای سازمانهای ما، برای میهن انقلابی ما، برای زحمتکشان رزمنده آن، برای دیگر نیروهای مترقی و دموکرات وطن ما، چیزی بیشتر از رویای خام و افشحه مصلحتی خیر از سیر واقعی تاریخ و خاشنان به منافع ملی و مردمی ما، نبوده و نیست که محکوم به فنا و نابودیت، مقاومت و زورم دلیرانه شما که در شادوش حزب توده ایران در شرایط دشوار برای هر دوسا زمان ما علیه امیرالیسم و ارتجاع انجام شده می شود به نتایج ناخوشایند خود در راستای افشاء ماهیت ضد ملی، ضد دموکراتیک رژیم حاکم پرکوشور، بیسج توده های زحمتکش به شبرد استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و بالاخره ایچا دهرم حیاتی و تعیین کننده جبهه متحد خلق از همه نیروهای فدا میریالیست، مترقی و دموکرات که تنها راه برون رفت از بحرانیها همه جا شیه و نجات انقلاب است، نزدیک می شود.

ما، با بدیگری ساروز تولدسا زمان برادر تبریک می گویم و در این پیکار زلفی و نیا بی به خاطر نجات انقلاب، برای شما دوستان همزوم و فادار به آرمانهای والای خلقهای میهن در بندستان آرزوی موفقیت می کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۹ بهمن ۱۳۶۳

## کشتار انقلابیون بی پاسخ نمی ماند

گزارشهای رسیده حاکی از آن است که عده دیگری از انقلابیون آزادیان و مجاهدین و اعضا دیگر سازمانهای انقلابی در زندانهای رژیم خمینی اعدام شدند. در میان این شهدا چهره های سرشناسی وجود دارد. اسامی فرستوده زکادها و چریکهای فدایی و عیداله آفری و حسین قاضی که خمینی شهدا دستان در شریبه "راه کارگر" انتشار یافته است، در میان این شهدا است.

این شهیدان از قهرمانان مبارزه و مقاومت درسیا هجالی رژیم شاه بوده اند. آنان که بیست دست مردم باخاسته مان از زندانها آزاد کردند، همچنان با اندیشه پیروزی زحمتکشان مبارزه در راه مردم را پی گرفتند. عمل رژیم این فرزندان انقلابی خلق اردزانه نبوده و پس از ماهسا شکنجه های وحشیانه مخفیانه اعدام کردند. حکومت اسلامی که گوی سبقت را از فاشیستی ترین رژیمها رسوده است، نه تنها چون همیشه جراثمگر از محاکمه علنی انقلابیون راندارد، بلکه همچنان از اعلام خبر اعدام آنان نیز هراس دارد.

شکنجه و کشتار انقلابیون بی پاسخ نمی مانند. ارتجاع فقط با مرگ خود می تواند تاوان پس دهد.

طرحهای رژیم برای بیرون راندن زنان از محیطهای فعالیت تولیدی و اجتماعی را خنثی کرده با ماوانع جدی روبرو ساخته است. مخالفت و اعتراض عمومی زنان علیه غوغای چادروقتی و روستا و علیه سیاستهای برابری حقوق زن در خانواده و درجا مع و علیه تضییقات گوناگون رژیم همچنان به اشکال مختلف توسعه می یابد.

زنان زجر کشیده میهن ما فریاد اعتراض خود را علیه سیاستهای جنگ افروزان و خاشنا براننداز حکام جمهوری اسلامی هر روز بلندتر می کنند. اعتراضات دلیرانه و متحدانه دران و خانواده های دهها هزار زندانی سیاسی و هزاران انقلابی و مبارزی که به دست جلادان رژیم وحشیانه شکنجه و به شهادت رسیده اند، هر روز گه می گذرد. ثمرات بزرگتری بیبار می آورد. زنان در جنبش گسترش یافته شده ای علیه گزانی، بیگاری، بحران مسکن، بی آبسی و تضییقات مختلفی که بر مردم محروم شهرها اعمال می گردد، نقش بسیار فعالی بر عهده دارند. سسودر مبارزات کارگری نیز دوشادوش مردان به پیش می روند.

در این میان زنان فدایی و دیگر زنان آگاه و مبارز نقش ستایش انگیزی در بر دارند. گاهی به میان زنان نماند. در این مبارزه در راه آزادی و برابری واقعی برای زنان، از مبارزه در راه تامین حقوق دموکراتیک مردم میهنمان، از مبارزه در راه تحقق استقلال واقعی و استقرار دموکراسی، و تامین عدالت اجتماعی جدا نیست. برای دستیابی به حقوق حقه زنان باید به حاکمیت ارتجاع که مانع عده در راه تحقق آنهاست، جنبش است. زنان فدایی با درک عمیق از وظایف خطیر خود، در راه هدایت و سازماندهی و ارتقاء مبارزات زنان و شرکت هر چه گسترده تر و فعال تر آنان در مبارزه اوج یافته شده ای که سرود تا بساط ظلم و ستم حاکم جمهوری اسلامی را برچیند، پیگیرانه مبارزه می کنند. آنان با مبارزه قهرمانانه و بی شائبه آفرین خود در زندانها و زیر شکنجه های وحشیانه دشمنان رژیم، پرچم افتخار آفرین مبارزه انقلابی زنان میهن ما را همچنان بلندتر می افرازند.

گرامی ساروزن

دوره و افتخار

بر همه زنانی که در راه آزادی و پیروزی می رزمند

کمیته مرکزی

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۱۷ اسفند (۸ مارس) روز زن را به همه زنان ایران صمیمانه تبریک می گوید. روز ۱۷ اسفند تجلی بی شکوه همبستگی زنان سراسر جهان در راه صلح، دموکراسی، استقلال، عدالت اجتماعی، در راه تامین حقوق برابر زنان بسا مردان است. در این مبارزه زنان ایران همواره جایی شایسته و افتخارآمیز داشته اند.

اینک زنان میهن ما در دشوارترین شرایط و تحت بی سابقه ترین ستم و سرکوب و تحقیر و توهین قرار دارند. حکام مرتجع جمهوری اسلامی ارتجاعی ترین سیاستها و قوانین را در ترفی و پیمانال کردن حقوق زنان به اجرا آورده است و این علاوه بر همه فشارهای سخت و جانفرسای است که سیاستهای فدردمدی حکومت با ادامه جنگ و تشدید روزافزون تروری و اختناق و لغارت و استثمای بر زندگی عموم مردم وارد می آورد.

ارتجاع زنان میهن ما را از بسیاری امکانات آموزشی، از حق کار و از فعالیتها و اجتماع و فرهنگی محروم کرده است. این اقدامات ارتجاعی و انواع تضییقاتی نظیر تحمیل چادرو و بند و روسری و تنگنای جنون آمیز علیه زنان به پیاپی "حجاب"، به همین منظور انجام می شود تا بلکه زنان ایران را چون کنیزان و زنان حرم سار در چرخه دیواری خانه و آشپزخانه محصور و سیرازند، قوا نیسند و احکام ارتجاعی به اجرا آورده است. نا برابری زن با مرد را به رسمیت می شناسد و حقوق زن را در خانواده و جامعه نقی می کند. رژیم با ترویج شیوه منسوخ و منطج چند همسری و ازدواجی موقت، شدیدترین آهان و ستم را بر زنان روا داشته و بیساری از خانواده را متلاشی کرده است.

انکار بست و پوسیده رسد ما دران جمهوری اسلامی بیشرمانه برای زنان تنها نیی از ستم و شخصیت و اعتبار انسانی را قابل است. در این افکار چیرزی جزیی عدالتی فاش و آشکار در حق زنان و حتی دشمنی با موجودیت انسانی آنان نیست. زندانها، شکنجه ها و میدانهای اعدام جمهوری اسلامی با رزترین گواهد در دناک جنایات بی شمار رژیم علیه هزاران زن و دختران انقلابی و مبارز میهن ما است.

علیرغم دهنش هیات حاکمه مرتجع جنبش زنان ایران بعنوان جزء تفکیک تا بدیجربش دموکراتیک و همگانی مردم ایران علیه ارتجاع حاکم می رزمند و با کمای امید آفرین به پیش می روند.

ایستادگی و مبارزه زنان بسیاری از نوطه ها و

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اخیر رسیده از زندانهای ایران بگرانی آور است. رژیم که تا کنون با زیر پا گذایدن اصول قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر، با وضع قوانین قرون وسطایی که با مفاد اعلامیه حقوق بشر و موازین مورد پذیرش جوامع مترقی مغایرت دارد و علیه آزادی عقیده و اندیشه سرهم بندی شده، سراسر کشور را به زندان تبدیل کرده و کوجکترین صدا مخالف و کمترین اعتراض زحمتکشان به اقدامات غیرقانونی و شیوه های ترور و اختناق را با شکنجه، زندان، اعدام و سر به نیست کردن پاسخ می دهد، نوطه جنايتکارانه جدیدی را تارک می بیند.

سخن بر سر ادامه شکنجه های غیر انسانی برای وارد آوردن فشار به توده های در بند است تا به اشکامات بی پایه و اساس حکام مرتجع "داوطلبانه" صحه بگذارند.

شکنجه زندانیان سیاسی با تکامل یافته ترین ابزار و آلات، مانند شوک الکتریکی و دستگاه "آبولو" امری است متداول. انسانها! سرودست می شکنند و زنده زنده، روی اجاقهای سرخ شده الکتریکی می نشاندند. بهره گیری از انوسواع داروهای مخدر و روانگردانی طبق اخبار موشق رسیده از زندان به قصد اخذ اعتراف با شدت بیشتری آغاز شده است. تعداد توده ایهایی که تحت تاثیر آنگونه داروهای دچار بیماری های روانی شده و به تیمارستانها انتقال می یابند، رو به فزونی است.

زندانها توده ای در سخت ترین شرایط ستمگرانه ای می شوند. آنان در "کمیته"، "اوین"، "قزل حمار" و غیره با عذابه های دناگاه روبرو هستند. نه زنان و نه خانواده های متهمین از تعقیب و زندان و شکنجه مصون نیستند. بستگان نزدیک و متهم را پیش چشم آزار می دهند تا او

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۳ بهمن ۱۳۶۳

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهادت رفیق قربانعلی مؤذنی پور تجلی عزم و رزم انقلابی مردم علیه ارتجاع

هم میهنان گرامی! رفقا و همزمانان! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با تأسف و تألم عمیق شهادت حماسه آفرین رفیق قربانعلی مؤذنی پور غفور و شایسته مرکزی و مسئول کمیته های ایالتی فارس و مازندران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را به اطلاع می رساند.

رفیق قربانعلی مؤذنی پور (رفیق احمد) به دلیل اطلاع قبلی رهبران حکومت از کارنامه انقلابی و موقعیت سازمانی وی همچون دیگر اعضای رهبری سازمان ما از مدت ها پیش شدیداً تحت پیگرد قرار داشت. ما مورین انقلاب پس از تلاش های بسیار در قبال رفیقان را یافتند و در نهایت این فرزند دانا کار خلق را به شهادت رساندند. بدین گونه دشمنان مردم، در زمین بیخرد و زبونی که برانندند درخت بی برگ و ریشه و از پیش مرده هستی خود را با خون جوانان وطن سیراب کنند و با ریگدرد بر آبر عز و رزم ما به ستوه آمدند و خواهرشند و خاک گور خود را به سیمای اهریمنی خویش پاشیدند.

رفیق قربانعلی مؤذنی پور، سیمای تابناکی از فرزندان انقلابی و ایثارگر مردم رنج کشیده میهن ما بود. می سال زندگی وی آکنده بود از رنج توده های میلیونی رنجور بیگانه برای آزادی و بهروزی آنان. هم میهنان گرامی!

رفیق قربانعلی مؤذنی پور نه نخستین شهید کمیته مرکزی سازمان ماست و نه آخرین آن. پیش از این، در رژیم سرسپرده شاه، چهار بار، در سال های ۴۹، ۵۰، ۵۱ و ۵۲ رهبری فدائیان خلق آماج حمله ترارگرفت و هر بار تمام یا بخش اعظم رهبران سازمان ما در جریان حمله و یا زیر شکنجه و یا در برابر جرحه اعدام به شهادت رسیدند. ما همه این ضربات ناجعه آمیز را پشت سر گذاشتیم و هر بار نیرومندتر از گذشته مبارزه انقلابی را ادامه دادیم. سرانجام سازمان ما ماندگارتر شد و با قدرت و استقامت خود رسیده، امروز حکومت جمهوری اسلامی با ارتکاب جنایاتی

دشمنانه تر، سرنوشتی تاریک تر از رژیم محمدرضا شاهی را انتظار می کشد. مرتجعین حاکم قصد دارند با شدید هر چه بیشتر حکومت ترور و خفقان، با پیگرد سراسری، با زداختن خانه به خانه و شکنجه و کشتار بی امان فرزندان انقلابی مردم پایه های لرزان حکومت خود را استوار کنند. حکومت آیت الله خمینی با این تلاش های شیطانی که قصد دارد جنبش انقلابی را نابود کند و مبارزه کارگران، دهقانان، کارمندان،

جنگایات رژیم علیه انقلابیون را محکوم میکنیم

مطابق اطلاعیه مورخ ۲۳ بهمن روابط عمومی وزارت اطلاعات رژیم، جنگایات رژیم علیه انقلابیون کشور مرتکب شدند. مطابق این اطلاعیه، ادعا شده است که ارگان های سرکوب رژیم اخیراً عده ای از فعالین گروهی را که ۳ سال پیش از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انشعبا کرده اند (گروه کشتگر) مورد هجوم و بازداشت قرار داده اند. اطلاعیه همچنین مدعی شده است که رژیم حدود ۲۰ نفر از مجاهدین خلق را نیز در شهرهای مختلف دستگیر کرده و با به شهادت رسانیده است. هدف وزارت اطلاعات ارتجاع حاکم از انتشار خبر این جنایات و اقدامات مذموم آن است که حول آن جنبه های تبلیغاتی برای اندازد و شکست های مکرر و طمی خود را در شکست تشکیلات و ایستادگی انقلابیون پنهان نگه دارد. جنگایات سخن برآکنی امبریا لیستی نیز این تبلیغات را با آب و تاب انعکاس دادند. رژیم مدتها تلاش کرد تا این فکر را به مردم القا کند که گویا قدر قدرت است و کمیزا را از ایستادگی و مقاومت در برابر آن نیست. اما توده های مردم سازمان های انقلابی این لافها را با کسرتش مقابله و مبارزه خود علیه هیات حاکمه مرتجع پاخ دادند. امروز نیز با اطمینان باید گفت که این تبلیغات و جنگایات رژیم هرگز اثر از شکست های تازه نجات نخواهد داد.

ما این جنایات رژیم را محکوم می کنیم و برای شکست تلاش های سرکوبگرانه آن، از هیچ کوششی فرو گذار نخواهیم کرد. ما بار دیگر اعلام می کنیم که راه نجات میهن از جنگال استبداد دواستقرار دیکراسی در کشور، با بیان دادن به حاکمیت ارتجاع بر کشور است. تنها با همکاری و اتحاد عمل همه نیروهای ملی و دلاکراتیک ایران در پیچه واحداست که حاکمیت ننگین ارتجاع سریعتر با این میابد و راه برای استقرار مملود مکرسی در کشور و تاسیس استقلال ملی و عدالت اجتماعی هموارتر می شود.

بیشه وران، زنان و اقلیت های مذهبی را به زور شکنجه و اعدام خاموش سازد. تاریخ کشور ما و تجربه رژیم متفورشاه ثابت کرده است که این تلاش ها سرانجام میسر نمی شود. برای سرکوب ما مانند روز روشن است که مرتجعین خون آشام حاکم هر چه بیشتر خون بریزند و مردم را سرکوب کنند، سرنوشتی شوم تر برای خود رقم می زنند. آنها به دست خود گور خور می کنند.

هم میهنان گرامی! کارگران، دهقانان، همه رنجبران ایران! در هم شکستن ترور و خفقان، قطع پیگرد و شکنجه و کشتار فرزندان انقلابی شما، تا عین آزادی های سیاسی و حقوق مردمی و سرانجام آزادی میهن و بهروزی مردم درگروا نخواهد شد. ما با همکام هر چه قاطعتر شما علیه ارتجاع حاکم است. با الهام از شهیدان حماسه ساز خلق، با اتحاد عزم و رزم انقلابی خویش کوره های جنگ مردم کشتی را خاموش کنیم. شعله های انقلاب را فرزان تر سازیم و هر چه توفنده تر بر بنیاد دستم بتازیم. شهیدان ما با همین آرزمان شهید شدند و ما همین گونه شهادت مقدس آنان را راجح می نهمیم. رفیق قربانعلی مؤذنی پور با شهادت حماسی خود بر پروتسه های ارتجاع حاکم برای تیره کردن سیمای انقلابیون ضربتی مرگبار فرود آورد. اکنون سیمای انقلابیون ضربه مرگبار جمهوری اسلامی، در برابر خورشید بهروزان رزم و پایداری و جانبازی انقلابیون چنان تیره و تبا شده است که دیده نمی شود و نفرت بیشتر مردم را نسبت به خود برمی انگیزد.

فدائیان، توده ایها و هزاران انقلابی در سراسر کشور، پرچم رزم انقلابی رفیق قربانعلی مؤذنی پور را برافراشته اند. فدائیان خلق، در میدان های رزم انقلابی میثاق خویش را با شهید کمیته مرکزی خود تجدید می کنند. شهادت رفیق قربانعلی مؤذنی پور و صدا تن دیگران رهبران و رزمندگان فدایی نشان شورا انگیز میثاق فدائیان با خلق ایران است.

جاودان باد میثاق فدائیان با خلق.

برافراشته باد پرچم رزم انقلابی رفیق شهید قربانعلی مؤذنی پور.

جاودان یسار و یاد و

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بهمن ماه ۱۳۶۳

"قانون" نا بودنی مطبوعات

بقیه از صفحه ۳ گفت که اگر این طرح تصویب شود دیگر کسی نمی تواند چیزی بنویسد و بر مطبوعات حکومتی نیز لجام زده می شود.

درنگ تک موا دوینده های این قانون سیاست سرکوب فاشیستی آزادی های سیاسی توسط هیات حاکمه دیده می شود. سران رزم در این طرح حتی تیغ سانسور را علیه مطبوعات خودی و شلاق وزندان را علیه شوکای خودیگرا می اندازد. مطابق این قانون ارتجاعی، مطبوعات حکومتی از نقد مطالب جز مطابق متن سخن سران رزم منع شده اند. انتقاد، هروع انتقادی به مسئولان رژیم به بهانه هائنت جرم شناخته شده است. هر نویسنده ای جز به دلخواه هیات حاکمه بنویسد، به بهانه عدم صداقت شمول دادگاه می شود. "قانون" آشکارویی پرده مجازات برخی از مطالب جرایم انتقاد دگتندگان را شکنجه قرون وسطایی، یعنی شلاق تعیین کرده است. "قانون" آنچه را مطابق منافع کلان سرمایه داران و بسزرگ مالکان و مدافعان استبداد فقیه نباشد، به بهانه استبداد و "هنرمندی" یا "فرهنگ و هنر ملی" می ستیزد و علم را خور می خورد. این طرح بار دیگر نشان می دهد که هیات حاکمه مرتجع به ناسودی فرهنگ و هنر ملی کمر بسته است.

فصل دوم این قانون رسالت مطبوعات را دادن "خط فکری" به مردم تعیین کرده و فصل سوم آن، حدود مطبوعات را مشخص کرده است. معنای واقعی این حدود و ادعا این است که مطبوعات قابل انتقادی فقط ابزار هیات حاکمه در حفظ حاکمیت تشکیلات سرمایه داران و بسزرگ مالکان است. و توجیه تحمیلات مذهبی و عقیدتی به جامعه و رننگ و لعاب زدن به سه چهره استبداد مذهبی است. تصویب کلیات این قانون ارتجاعی در مجلس بار دیگر نشان می دهد که همه دسته بندی های درون دستگاه، تا چه اندازه از طرح هر گونه انتقاد خیا نتها و جنایات رژیم در مطبوعات و در جامعه وحشت دارند و تا چه اندازه در سرکوب هر حرکت آزادی اندیشانه ای احساسات مشترک نشان می دهند و متفق القولند.

مختصری از زندگی نامه

رفیق قربانعلی مؤذنی پور

رفیق قربانعلی مؤذنی پور (رفیق احمد)، عضو مشا و رگمیته مرکزی و دبیر کمیته های ایالتی فارس و مازندران در یک خانواده سمنانی دیده به جهان گشود. از همان دوران نوجوانی دشواری های زندگی و زندگی دشوار خانواده او را رنج می داد. در دوران دبیرستان این مبارتها با درک زندگی رنج بسیار مردم پیرامون درآمیختند. رفیق قربان در دوران دبیرستان به مطالعه روی آورد.

وقتی وارد دانشگاه صنعتی تهران شد، فقط ۱۹ سال داشت. اما همان هنگام هم پیوسته نمود. محیط پرتحرک و مبارز دانشگاه به او امکان داد تا دقیق تر بیندیشد و چشم انداز را بهتر تمیز دهد. هر چه بهتر می دید، در مبارزه علیه رژیم شاه ساختاری می شد. هنوز مدت کوتاهی از ورود او به دانشگاه نگذشت، بود که فاعلین سازمان با کشف روحیه بیگانه و موم و انقلابی وی او را به سازمان معرفی نمودند و رفیق پس از یک دوره کوتاه در سال ۵۳ به عضویت سازمان درآمد.

از آن زمان رفیق شهید قربانعلی مؤذنی پور مرحله تازه ای از زندگی مبارزاتی خود را آغاز کرد. وظایف سازمانی که از سوی مسئولان رفیق شهید بهمن روحی انگیزان را به عهده می گرفت، شامل بهمن مسئولیت و شجاری انجام می داد. هنوز یک سال از فعالیت او در سازمان سپری نشده بود که در ۲۵ تیر ماه ۵۴ به دست ماورین ساواک دستگیر و در اوین زندانی شد.

جلادان اوین وحشیانه او را به زیر شکنجه کشیدند. آنچنان شکنجه کردند که آثار روحی گری آنها تا آخرین روزهای زندگی رفیق دردهای او بر جای مانده بود. او را یک سال در سلول انفرادی، جدا از دیگران، زیر شکنجه نگه داشتند. تا اینکه اطلاعات سازمانی وی دست یابند. اما رفیق قربانعلی محکم ایستاد، شکنجه های وحشیانه ساواک را تحمل کرد و سراسر سازمانی خود را حفظ نمود. سرانجام سفید سازی معدوم در برابر او راه او تسلیم شد و به درمادنگی خود اعتقاد افکند. ساواک رفیق را بعنوان سر مشاست و متعصب به بدادگاه معرفی کرد و اعدام را تقاضا کرد. رفیق در بدادگاه با قدرت از اندیشه و عمل خود دفاع نمود و اتهامات ساواک را یک به یک رد کرد. بدادگاه او را به اعدام و ۱۵ سال زندان محکوم کرد، اما در بدادگاه دوم به زندان ابد محکوم گردید. رفیق در تمام دوره زندان، در مبارزات زندانیان سیاسی قهرمانی جدی داشت.

او رهبران را اعتصاب غذای یک ماهه زندانیان قصر در سال ۵۷ بود. در آموزش و در ارتقای روحیه بیگانه رجویی زندانیان و در استقامت مقاومتی زندانیان شیا نه روز تلاش می کرد. برای این کسار شهید و شکنجه می شد، اما به راه خود ادامه می داد. سرانجام با گشایش درهای زندان قصر به دست توانای مردم قیام کننده میهن دردی ماه ۵۷ از زندان آزاد شد. پس از آزادی، بلافاصله کار انقلابی خود را در سازمان ادامه داد و برای احیای تشکیلات سازمان در شهران کوشید. او در این زمینه نقش موثر داشت. رفیق قربانعلی پس از انجام وظیفه در چند پست سازمانی مهم دیگر دبیر کمیته ایالتی فارس شد و در سال ۶۲ کمیته ایالتی مازندران نیز تحت مسئولیت وی قرار گرفت.

به پاس لیاقت و شایستگی رفیق قربانعلی، کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در پلن سوم ۲۷ خرداد ۶۱ او را به مقام عضو و سر کمیته مرکزی ارتقا داد. مدتی پس از آن هیات سیاسی کمیته مرکزی تصمیم گرفت، بنا بر بیگاری، بیگسار ایثارگران و دلیرانه و نقش بسیار موثر رفیق در هدایت سازمانی ایالتی فارس و مازندران، او را برای عضویت کمیته مرکزی به پلنوم آتی کمیته مرکزی سازمان معرفی کند. اما به دلیل شرایط دشوار کشور و برگزاری پلنوم در موقع مقرر ممکن نشد. اما رفیق قربانعلی هم مسئولیتی را که می بایست به عهده بگیرد به عهده گرفت و در سنگر رهبری سازمان دلیرانه جنگید و خود را تا به شهادت رساند.

تصویب قانون ارتجاعی مجلس شورای اسلامی با وارد کردن اطلاعاتی در ماده ۱، با اصلاح تبصره ۲ از ماده ۲۵ و با آوردن یک تبصره بر ماده ۲۸ که به موجب آن اخراج کارگر عضو شورا از موسسات دولتی قبل از صدور رأی دادگاه مربوطه بلامانع می شود، این "قانون" را در جهت نظارت شورای نگهبان اصلاح و تصویب رساند.

قانون "تشکیل شورای اسلامی کار" ارتجاعی و ضد کارگری است. کارگران با ایدما هیات ارتجاعی و تحمیل این قانون توسط دولت با بستن دوما نغ جای آن شوند. کارگران باید دست به دست هم دهند، متحد شوند، مبارزه کنند تا عناصر ارتجاعی را از شواها متعصب کنند. کارگران باید در راه تشکیل سندیکاه و تشکیلات مستقل کارگری مبارزه را تشدید کنند.

تصویب قانون ارتجاعی مجلس شورای اسلامی با وارد کردن اطلاعاتی در ماده ۱، با اصلاح تبصره ۲ از ماده ۲۵ و با آوردن یک تبصره بر ماده ۲۸ که به موجب آن اخراج کارگر عضو شورا از موسسات دولتی قبل از صدور رأی دادگاه مربوطه بلامانع می شود، این "قانون" را در جهت نظارت شورای نگهبان اصلاح و تصویب رساند.

قانون "تشکیل شورای اسلامی کار" ارتجاعی و ضد کارگری است. کارگران با ایدما هیات ارتجاعی و تحمیل این قانون توسط دولت با بستن دوما نغ جای آن شوند. کارگران باید دست به دست هم دهند، متحد شوند، مبارزه کنند تا عناصر ارتجاعی را از شواها متعصب کنند. کارگران باید در راه تشکیل سندیکاه و تشکیلات مستقل کارگری مبارزه را تشدید کنند.

# ضرورت و فوریت اتحاد

دستاورد جنبش انقلابی کشور ما در زمینه مبارزه برای اتحاد سازمانها و نیروهای مردمی و میهن پرست در یک سال گذشته نیز - چون سالهای بسیار گذشته - اندک بود. در واقع آنچه ما را و ما را در دستاورد نگوییم که جنبش در این زمینه مطلقاً درجا زده است، عمدتاً تکوین بیشتر برخی زمینه‌های عینی و ذهنی مساعد و میدواری به آینه‌هاست.

تا ثبات مغرب این پدیده به‌ویژه هنگامی آشکار می‌شود که آثار بی‌مستن وضعیت کنونی کشور بر سر کشیم. وضعیت که از یک سو بی‌انگیز شدیم از قوت مبارزات مردم و از سوی دیگر نمودار تشدید تضادهای درونی رژیم است. اقتضای شرایط مختلف مردم و پیشاپیش همه آنها کارگران، در یک سال گذشته مبارزه خود را گسترش دادند و گام‌های تازه‌ای علیه ارتجاع حاکم برداشتند. مبارزه توده‌های مردم در راه خواسته‌های خود علیه ارتجاع، خفقان، استبداد و دوجای ول لگام گسیخته دسترنجشان از سوی بهره‌کشان حاکم، رژیم را در تنگناهای شدیدتری قرار داد.

از سوی دیگر مصلحت با همه تلاش‌ها چارشدنا هشدیدترین بحران در حکومت خونریز و قرون وسطایش بود. حزب حاکم، مجلس حکومتی و دولت مورد حمایت خمینی، عرصه کف‌کشهای شدیدتری شدند. اظهارات رهبران حزب حاکم در پرتو شکاف و بحران و در هم ریختگی این حزب نموداری گویا از بحران درونی حکومت است. رژیم می‌کوشد تا در برابر مردم وحدت خود را حفظ کند، اما مردم گامی تازه در منجلب خیانتهای خلق و در مسیرو سواپی و بحران و بین دست‌نرمی‌ها دارد. روندهای فوق هر روز تا حدی تازه‌ای سیاسی مردمی و میهن‌پرستان جنبش رهبری توانمند و یگانه خود را مبرم‌تر می‌کند. بسیج توده‌های میلیونی و هدایت بیگانه‌ها در دست‌های این دادن به حکومت ارتجاع بیش از پیش به اتحاد همه سازمانهای مردمی نیازمند است. سازمانهای ترقیخواه برای اینکه به نیازهای جنبش پاسخ گویند و وظیفه رسالت خود را انجام دهند تنها ضرورت بلکه فوریت اتحاد در این مبارزه است. این ضرورت و فوریت به شکل مناسبت و به سرعت پاسخ دهند.

دشمنان ما عامل اصلی پراکندگی جنبش ما هستند. اما در مقابل ما مسئول خنثی کردن توطئه‌های آنها و غلبه بر گرایشهای انحرافی فداخدا در جنبش و مسئول متحقق کردن اتحادیم. در این راستا برای نیروهای مردمی، غلبه بر عوامل مصلح اتحاد در درون جنبش اهمیت حیاتی دارد. اگر جنبش انقلابی کشور ما به موقع بر عوامل فداخدا در درون جنبش غلبه نکند و ضعف مرکباً در جنبش یعنی تفرقه‌آییان ندهد، باز هم مبارزه توده‌های مردم که در این شرایط دشوار پیش می‌رود در معرض تزلزل و ارتجاع قرار می‌گیرد. همه رویدادهای باز هم برای چندمین بار اثبات می‌کنند که اتحاد به موقع ما مانع پیشدستی و غلبه مایوس ارتجاع غالب و مغلوب است.

## آماج مشترک، شالوده اتحاد

امروزه درون جنبش مردمی کشور ما تشدید فکری عجیبی درباره مفهوم، هدف و چگونگی اتحاد وجود دارد. بسیاری از سازمانهای سیاسی و مبارزین چپ تریج می‌دهند پیش از اینکه سخنی از خود اتحاد بگویند "شرط‌های ویژه خود را اعلام کنند. بویژه گروه‌های سیاسی کم‌اثرتر از اتحاد همه بیشتر نشان می‌دهند. آنها شروط خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که به کلی "گناه" اتحادخواهی شمرده شوند! غالباً در منظمه شرطی که بر سر راه اتحاد در دید می‌شوند، نکته روشن این است که می‌بایست با یکی متحد می‌شود و از همه ناروشن‌تر اینست که از لایق اندامی دانند.

روشن است که اتحاد امری مشروط است. هر نیرویی بخاطر هدفی با دیگران متحد می‌شود. بنا بر این هیچ نیرویی نمی‌تواند برای اتحاد با دیگران و هم‌ا شرط نداشت باشد. اما شرطی که بنا بر تریج اتحاد نیروهای مردمی هستند چگونگی بر کدام بنیاد و با چه هدفی تعیین می‌شوند؟ شالوده اتحاد ضرورت‌های عینی مبارزه مردم و آماج مشترک نیروهای مردمی است با تشخیص و تمایل هر یک از سازمانهای سیاسی؟

ضرورت و فوریت اتحاد سازمانهای سیاسی مردمی ناشی از ضرورت مبارزه متحدان و سازمان یافته مردم برای دستیابی به آماج‌های مشترکشان است. برای اینکه مردم مبارزه متحد شوند، برای اینکه مبارزه مردم مبارزانه و موثر و مترکز شود، برای اینکه همه نیروهای با لفع و با لقصوم برای دستیابی به هدف مشترک بسیج شوند و برای اینکه سر بر تریج از ارتجاع غالب و مغلوب به حرکت درآییم، دشمن را در ضعیف‌ترین سنگرها و پیش‌سیر سازمان‌ها و به حیات حکومت ارتجاع نقطه پایان بگذاریم باید متحد شویم. باید سریع و به موقع متحد شویم. شرط ما ملاک‌ها، معیارها و برنا‌ها می‌باشند که برای اتحاد آرایه می‌شود یا بدین در ضرورت و نیازهای فوق‌داشته باشد و یا سیر آتیه‌ها باشد. یک سازمان سیاسی جدی که واقعا هم به مردم فکری کند و هم به قدرت سیاسی، سازمانی که در درون مبارزه مردم برای خنثی‌نقش موثری قابل است و به شرکت در قدرت سیاسی آینده امید نیست، نمی‌تواند آیه مایل برخوردی غیر جدی و ولنگار داشته باشد.

## حسدود چه

حسدود چه چگونه مشخص می‌شود؟ آیا محتوا و محدوده جبهه‌های مردمی فرمایشی است و به اراده ماتمکی است و یا امری است عینی و ریشه در ضروریات اجتماعی و مبارزاتی دارد؟

البته در حرف کسی مدافع پاسخاراده‌گرانی نیست، اما مهم آن است که در عمل سازمانهای سیاسی از برخورد و دولت‌تاریستی بهره‌گیرند و یا سبک را از یطن واقعیتها بیرون کنند. واقعیت و ضرورت حکم می‌کند که در هر مرحله از مبارزه همه نیروهای که هدف مشترکی دارند برای دستیابی به این هدف متحد شوند. پذیرش و یا عدم پذیرش مبارزه در راه این هدف است که مشخص می‌کند چه کسی درون جبهه‌های می‌گیرد و چه کسی جای نمی‌گیرد.

اکنون در این مرحله از مبارزات مردم میهن ما پایان دادن به حاکمیت ارتجاع هدف مقدم همه نیروهای مردمی است. برای اینکه ما بتوانیم به وظیفه سنگین و ظریف خود عمل کنیم و به هدف خویش دست یابیم به شدت و بیش از هر چیز نیاز داریم که دست بیکدیگر محکم بگیریم، متحد شویم و همسپاه نیروهایمان را تا ذره آخر گرد آوریم. فدایی، توده‌ها، مجاهدان، مکتوبات، مسلحان مبارز و دیگر سازمانهای انقلابی و محافل، انجمنها و شخصیتهای ملی و مترقی باید به موقع گردآیند و در صفی فشرده و واحد برای نجات میهن و مردمان جنگال این تپیکاران، از جنگال خمینی و هیات حاکمه ارتجاعی بپاخیزند. البته جریانی‌هایی هم هستند که علیه رژیم خمینی تلاش می‌کنند و درون جبهه قرار نمی‌گیرند، چرا؟ چون آنها می‌خواهند استبداد دوجای را بسازند استبداد دوجای را بر تریجی دیگر تعویض کنند. آنها می‌خواهند همان استبداد دوجای

آریا مهری را بجای استبداد دوجای عولایتی به مردم ما تحمیل کنند. آنها می‌کوشند تا با نفرت مردم از حکومت جمهوری اسلامی طنای بسا فند و بر خلق خود مردم گره بزنند. شاه پرستان مشروط و نامشروط آزما پیش خود را پس داده‌اند و یک بار برای همیشه بساطشان برچیده شد.

رهبری از آن کیست؟ یکی از احداثی‌ترین مشاجرات سازمانهای سیاسی بر سر رهبری جبهه‌هاست برخی بدون هرگونه توجهی به واقعیتها عینی و به اصول و قانوشنندیدها بسط و آشکارا در پرتو رهبری خودیای جریانی ایدئولوژیک - سیاسی خاصی را پیش شرت اتحاد با دیگر سازمانها قرار می‌دهند.

ما در گزارش هیات سیاسی به پلنوم همراه کمیته مرکزی گفته‌ایم "هواره معتقد بودیم که در درجه پیگیری و سرنوشته انقلاب ملی دموکراتیک در آخرین تحلیل تابع آن است که این سرکردگی بر عهده کدام قشروطیقه جامعه قرار می‌گیرد. تجارب تمام خلقهای پیروزمندانمان داده‌است که تنها رهبری طبقه کارگرو بیاسازمان پیروسیالیسم علمی است که پیگیری انقلاب ملی و دموکراتیک را تضمین می‌کند. بر همین پایه است که ما کادرا و کارکنان خود را در این تا مین سرکردگی طبقه کارگر بکار می‌گیریم. اما واقعیت نشان می‌دهد که سرکردگی فقط به خواست و تمایل ما برای قبول این مسئولیت مرسبوسط نمی‌شود. عامل قطعی در این مورد، قبل از همه بر اساس متناسبت قدرت و نفوذ نسبی هر یک از نیروهای خلقی در پرتو انتقال قدرت و در آخرین تحلیل به وسیله‌های واراده آزاد مردم تعیین می‌شود. بالاخره با تائید بدگفت که مشروط کردن همکارها و اتحاد عمل نیروهای خلق به محل مساله سرکردگی، عملی است بنیابت تفرقه جویانه که به زیان مصالح خلق تا شیری می‌کند."

روند پیش افتادن و به قدرت رسیدن یک سازمان یا جریانی سیاسی زیر تا شیر دهنها و مدها عامل دیگر نیز قرار می‌گیرد که هر یک می‌توانند در این لحظه خاص اهمیت فوق العاده ای بیابند. کم نیستند نمونه‌هایی که نیروهای مکتوبات از طریق بسیج درست و به موقع نیروهای خود در ارتش در کسب قدرت سیاسی پیشدستی کردند و سپس در سب جنبش قرار گرفتند. تا شیر عوامل فرعی و پیش‌بینی نشده را در جریانی کسب قدرت سیاسی توسط خمینی نیز می‌توان بخوبی دید. هیچکس از پیش نمی‌تواند همه این روندها و رویدادهای را پیش‌بینی کند. همینگونه کسی نمی‌تواند بطور قطع همین امروز بگوید که عریان حکومتی و یا رهبری کی به پایان خواهد رسید. جریانی که امروز از رهبری جبهه و انقلاب را از امروز مشخص و قطعی کنند از تجربه مشخص انقلاب بهمن می‌توانند درسهایی بگیرند که آنها را از این گونه پاسخهای غیر ضرور و غافلگیر با مغرب بازمی‌دارد. باید دید و بریم که تا سال ۵۵ هیچکس از سازمانهای سیاسی و حتی خود خمینی و پیروان و نیز به فکرشان خطور نمی‌کرد که آیت‌الله «امام» شود و در این جنبش قرار بگیرد و بر سخت تکیه بزنند. در واقع تا سال ۵۵ آنکده برای کسب قدرت به حساب نمی‌آمد "آقا" و پیروانش بودند. در عین حال چکسی در طول سالهای پیش از انقلاب می‌توانست بگوید که فدایی یا مجاهد یا توده‌ای و یا جبهه ملی آلترنا تيو قدرت نخواهند بود؟

## از اتحاد عمل تا برنا مشترک

اتحاد سازمانهای سیاسی و تشکیل جبهه متحد خلق بدون وجود یک برنا مشترک و مورد قبول همه غیر قابل تصورات. شک نیست هر سازمان سیاسی جدی در روند اتحاد با سایر نیروهای می‌کوشد برنا می‌تواند بنشاند و تقبولاند. چنین مبارزه‌ای حتمی است. و ما کمونیست‌ها به نوبه خود بیشترین کوشش را برای جاری کردن برنا به طبقه کارگر در جبهه متحد خلق بکار می‌بریم. اما همه این کوششها باید پذیرش این اصول باشد که اولاً جبهه‌ها متما به برنا مسه واحدی نباشند. ثانیاً این برنا مسه‌ها نمی‌توانند تحمیلی باشد و هیچ سازمان سیاسی نباید از پیش پذیرفتن برنا می‌شود. اتحاد شرط اتحاد با دیگران قرار دهد. روشناست که در برنا مسه‌ای آرا به شده از سوی سازمانهای سیاسی موجود می‌توان تفاوتها و تضادهای بسیاری مشاهده کرد. اما با این تضادها چه باید کرد؟ آیا آنها را بصورت کسور ای در شکافهای موجود بگویم و تفرقه را در مان بزیم، یا به شیوه سازنده علیه انحرافات می‌شناسیم مبارزه کنیم و در عین حال برنا به مواضع و آماجهای مشترک در راه نزدیک و اتحاد بیکار کنیم؟ ما تنها راه دوم را درست می‌دانیم. اتحاد به مساله اتحاد دنیروهای مردمی مطرح است، هنر ما در این است که بتوانیم آماجها و مواضع مشترک را به دقت و مسولانه برنا شناسیم، آنها را تحکیم کنیم و بر همین پایه برای دستیابی به شواقیهای هر چه بیشتر، برای دستیابی به یک برنا مشترک بیکار کنیم.

امروزه هنگامیکه ما فارغ از پیشداوریهای رایج به برنا مسه‌ها تک سازمانهای مردمی نظرا فکینیم به آسانی عنان سرلازم برای اتحاد را می‌یابیم. ما برنا مسه خود را با تکیه بر آماجهای بنیادین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی آرایه دادیم و در آن تکیه کردیم که مساله اصلی ما برنا مسه‌ها با بیان دادن به حاکمیت ارتجاع است. بین برنا مسه ما و برنا مسه دیگر سازمانهای انقلابی در مسایلی بسیار اساسی وحدت و همخوانی موجود است. ما می‌توانیم در این برنا مسه‌ها در زمینه استقلال، آزادی و اصلاحات اجتماعی عنان سرکا ملا مشترکی بیابیم. هدف مقدم همه این برنا مسه‌ها پایان دادن به حکومت ارتجاع و انتقال قدرت به نیروهای ملی و مردمی است. این مضمون واحد اگرچه زیر شاخها و در پویشهای مختلفی عرضه شده است، بزرگترین امکان را به ما می‌دهد تا به برنا مسه مشترک جبهه نیروهای خلقی دست یابیم.

دو برابر مردم ارتجاع غالب و مغلوب هر دو قرار دارند، امپریالیسم با هر دو کات علیه ما بازی می‌کند. ما دام که این ارتجاع حاکم باشد جزو ستم و بهره‌کنی و اخنناقی نخواهد بود. اما سقوط این ارتجاع نیز بخودی خود به معنی تائید آزادی و بهروزی مردم و میهن نیست. ما نمی‌توانیم ارتجاع مغلوب را در سیر رویدادهای بحساب بیاوریم، اتفاقاً آنها بیش از همه روی خود حساب می‌کنند و به وقت امکان نشان را برای لحظه مفروض سازمان می‌دهند. در چنین شرایطی سرنوشته روندها به میزان بساط رزیادی به چند و چون عمل ماتمکی می‌یابد. برخی از سازمانهای مبارز اختلافات در می‌تواند کتیکار جمعی می‌زنند و از آن نتیجه می‌گیرند که بین سازمانهای سیاسی موجود، یادست بین اغلب آنها هیچگونه همگونی برنا مسه‌ای وجود ندارد. بنا بر این همه آنچه که هست کناره‌های ریزند و دعوت می‌کنند که "مبارزه ایدئولوژیک" را از مفرشت شروع کنیم تا به بینیم چه خواهد شد! اینگونه نظریات بنیابت نادرست و مغرب است. در زمینه مثنی و تانکتیک نیز آن تضادهایی که سععبورنا پذیرا اتحاد وجود ندارد تا قادر این لحظه عملی‌تریسنگ گام اتحاد عمل است. از این خسرد است که کلان برمی‌خیزد، اتحاد عمل را می‌است که به برنا مسه مشترک و جبهه متحد خلق منتهی می‌شود.

# بودجه ۶۴: ورشکستگی اقتصاد، محرومیت توده‌ها

موسوی نخست وزیر رژیم جمهوری اسلامی لایحه بودجه سال ۱۳۶۲ را در روز هفتم آذرماه به مجلس شورای اسلامی داد. دو سخنان مرسوم در توضیح خصوصیات آن ایراد نموده، جمعی از بودجه‌گویی‌ها پیشنهاد دادند دولت ۲۸۶۸/۷ میلیارد ریال و کل درآمدهای پیش بینی شده ۲۵۷۰ میلیارد ریال و کسری بودجه ۳۹۲/۵ میلیارد ریالی باشد.

بودجه هر کشور آئین‌های ارزیابی اقتصادی حاکم بر آن می‌باشد. با نگاهی به لایحه بودجه سالهای گذشته و عملکرد آنها و بررسی بودجه سال ۶۴ می‌توان تا بلایی را تصویر نمود که واقعیت عزیزان انقلاب و ورشکستگی رژیم و تشدید دوگانه زندگی مردم را در آن دیدند.

نخست وزیر در گزارشی خود به مجلس می‌گوید: ... جامعه در مسیری به نسبت مطلوب، به سوی رشد و توسعه گام برمی‌دارد و برای اثبات این ادعای بوج به رشد تولید ناخالص ملی به میزان ۱۵/۲ درصد در سال ۶۱ اشاره می‌کند. نخست وزیر برای این واقعیت سرپوش می‌گذارد که رشد تولید ناخالص ملی بطور عمده ناشی از رشد تولیدات صنعتی نبوده، بلکه افزایش صادرات و تزریق پول در آن می‌باشد. رشد تولید ناخالص ملی در سال ۶۱، حدود ۲۰/۵ درصد کمتر از سال ۵۶ و تقریباً به میزان سال ۵۳ می‌باشد.

افت تولید ناخالص ملی ایجاب می‌کند که گسترش تولیدات داخلی و سرمایه‌گذاری در زمینه صنایع و کشاورزی در سرلوحه بودجه قرار گیرد. اما در سال ۶۱، بودجه بدون توجه به اقتصاد دورنگشته کشور و تقویت مزایای مردم همچنان بر تداوم جنگ و بی‌انگیزگی می‌فشارند. دسترنج زحمتکشان و ثروت ملی را به خدمت جنگ می‌گیرند. در لایحه بودجه سال ۶۴، همچون سالهای گذشته، اداره امور جنگ در این فعالیتها دولت قرار گرفته و از اولویت کامل برخوردار گردیده است (با گزارش نخست وزیر به مجلس).

علاوه بر حکام مرتجع برای بقاء حاکمیت خود مبالغ کلانی را برای سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی و هزینه ارکانهای سرکوب در بودجه منظور کرده‌اند.

در بودجه پیشنهادی نخست وزیر مبلغ ۱۱۸۵/۵ میلیارد ریال به هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم جنگ نامن برانداختن می‌باشد. این رقم آرایه شده به مراتب کمتر از رقم واقعی هزینه‌های جنگ است. بخش قابل توجهی از بودجه وزارتخانه‌ها و نهادهای گوناگون کشور بعنوان "مقدمه‌ترین" وظیفه "توسعه جنگ" ریخته می‌شود. موسوی اعتراف می‌کند که هزینه جنگ در بودجه سال ۶۳ بیش از ۴۳ درصد از بودجه را به خود اختصاص داده است. اگر سایر هزینه‌های که توسط جاسا زندگی و اسناد آریها و وزارتخانه‌ها در رابطه با مسائل دفاعی صرف می‌شود را نیز به این ارقام اضافه کنیم، سهم بودجه دفاعی از بودجه کل بودجه سال جاری به مراتب بیشتر خواهد بود (اطلاعات - ۱۵ مرداد ۶۳). نخست وزیر رژیم در گزارشی خود به مجلس، هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم جنگ را در سالهای ۶۲، ۶۳ و ۶۴ آرایه داد:

سال	۵۹	۶۲	۶۳
هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم جنگ (بیلیون ریال)	۶۴۱/۶	۱۲۱۱	۱۳۰۳/۶

این ارقام نشان می‌دهد وجود دفع تجاوز رژیم صدام در سال ۶۱، سردمداران حکومت برای گسترش جنگ ارتجاعی و توسعه طلبانه، سال به سال بر میزان هزینه‌های سرمایه‌ور آن افزوده‌اند. همبریان رژیم برای تامین هزینه‌های جنگ، نفت را تاراج می‌کنند و با قیمت ارزان در بازارهای بین‌المللی می‌فروشند، از هزینه‌های عمومی و رفاهی می‌کاهدند، مالیاتها را به زیان زحمتکشان افزایش می‌دهند، کارهای عمرانی را تعطیل و یا به حداقل می‌رسانند و برای تامین کسری بودجه ناشی از هزینه‌های جنگ به استقراض از سیستم بانکی روی می‌آورند. نخست وزیر اعلام می‌کند که توانسته است کسری بودجه سال ۶۴ را به ۲۹۴/۵ میلیارد ریال محدود کند. اما در سالهای قبل روشن گردید که کسری بودجه به مراتب بیشتر از ارقام اعلام شده می‌باشد. موسوی کسری بودجه سال ۶۳ را ۳۱۲/۲ میلیارد اعلام کرد ولی در مذاکرات مجلس مشخص گردید کسری بودجه حدود ۱۰۰۰ میلیارد ریالی باشد (کیهان - ۱۵ اسفند ۶۲). دولت برای تامین کسری بودجه هر سال به استقراض از سیستم بانکی که همان چاپ اسکناس بدون پشتوانه می‌باشد متوسل می‌گردد. "جسیم اسکناس زیاد شده پس از یک سری فعل و انفعالات اقتصادی از دست دولت خارج شده، به جیب بخش خصوصی می‌ریزد... در لایحه سال ۶۳ با توجه به تبصره‌ها و تعدلات حدود یک هزار میلیارد ریال

کسری بودجه وجود دارد. با کسری بودجه در واقع بدهی دولت سال به سال زیادتر می‌شود و تقریباً به همان میزان به نقدینگی بخش خصوصی افزودند می‌شود" (مصطفی تبریزی - نماینده سابق مجلس شورا - کیهان - ۲۵ بهمن ۶۲). کسری بودجه از سال ۵۷ (۵۵۸/۵ میلیارد ریال) تا ۶۳ (۱۰۰۰ میلیارد ریال) در برآورد شده و میزان نقدینگی بخش خصوصی در همین مدت به سه برابر افزایش یافته است (از ۲۵۷۸/۶ میلیارد ریال به ۸۰۰۰ میلیارد ریال).

کسری بودجه، چاپ اسکناس بدون پشتوانه و افزایش نقدینگی بخش خصوصی به طور وگرا می‌بندد و با روبرو تشدید تراکم ثروت در دست عده معدود و فقر و فلاکت فزاینده زحمتکشان منجر شده است. میزان نقدینگی بخش خصوصی از سال ۵۷ تاکنون حدود ۶۵۰ میلیارد تومان افزایش یافته است. به گفته محمدی نماینده سابق مجلس این مبلغ فوق العاده کلان متعلق به ۳ درصد از مردم است.

در حالیکه طایفه مدتها و مابقیه جهت تورم لحاظ گنجهت از قدرت خرید زحمتکشان کاسته شده است. بنا به اظهار غلامحسین نادی (نماینده مجلس شورا) از سال ۵۹ تا ۶۲ حدود ۸۳ درصد تورم داشته‌ایم (اطلاعات - اول شهریور ۶۳). با وجود تورم سرمایه‌آور، دستمزد کارگران و حقوق کارمندان طی پنج سال اخیر تقریباً ثابت مانده است. همگام با فلاکت و رونج جا ننگاه ناشی از افزایش افسار گسیخته قیمتها، زندگی مردم میهن ما رابه استیصال کشانده است.

همبریان رژیم برای تامین کسری بودجه سال ۶۴ کوشیده‌اند با عنوان ظاهر رفرفری "تکبیر روی خودیاری مردم" از هزینه‌های عمومی و رفاهی کاسته و تا میزان نوع هزینه‌ها را روی دوش مردم زحمتکش گذارند. تبصره‌های متعدد لایحه بودجه ۶۴، این امر را به خوبی نشان می‌دهد. بنا به تبصره ۷۷ بودجه "به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود به منظور تامین کلیه هزینه‌های مربوط به آموزشها قبل از دستاورد و بزرگسالان و قسمتی از هزینه‌های مربوط به متوسطه آموزشهای ابتدایی، راهنمایی، تحمیل متوسطه و عمومی از دانه‌های آموزش و تکرار کنندگان با بهای تحصیل آموزش مذکور... شهریه دریافت و هزینه تمام باشد." دریافت شهریه با توجه به درآمدنا چیزی زحمتکشان، فشار دیگریست که از جانب ارتجاع حاکم به زحمتکشان می‌آورد. در تبصره ۶۶ بودجه "مبلغی از کلیه درآمدهای غیر بیمه شده، با استثنای افرادی که به اجرت به واحدهای درمانی آموزشی و بهداشتی... طبق تعرفه‌های بیکه به تصویب... خواهد رسید هزینه‌های مربوطه را دریافت دارند" معلوم است که استثنای کردن افرادی که به اجرت برای خالی نبودن عرفی است. اکثریت مراجعین به مراکز درمانی دولتی کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان می‌باشند. مرجعین که تنها به فکر خریدن جیب جاب را به سرگرمی می‌باشند می‌خواهند هزینه‌های درمانی را از درآمد ناچیز محرومان که ما به دست می‌آورند.

در دریافتهای بودجه سال ۶۴ بیش از ۵۵ درصد (۱۸۶۷ میلیارد ریال) بودجه از درآمد حاصل از فروش نفت تا مین می‌شود، ولی در واقعیت امر با بستگی بودجه به نفت بیشتر از این میزان می‌باشد. زیرا بخشی از درآمدهای غیر نفتی در بودجه تنها به پشتوانه تولید و فروش نفت به دست می‌آید. بعنوان مثال درآمد کمتری که اعتبار زهم و واردات عاید دولت می‌شود، تنها به اعتبار فروش نفت کسب می‌گردد. تشدید اقتصاد تک با بهای تنها به غارت این سرمایه ملی محدود نمی‌شود، توانا تا قیمت نفت و سفید تولید همچنانکه اسما تا هادش بودیم، بنوبه خود لطمات جدی بر اقتصاد دورنگشته کشور وارد می‌آورد و بطور خاص بر کسری بودجه می‌افزاید. کاهش قیمت نفت در سال ۱۳۶۲، معادل هزینه جنگی ما، به اقتصاد ایران ضربه زد (کیهان - ۳۰ بهمن ۶۲).

در بودجه سال ۶۴ مبلغ ۱۰۶۳ میلیارد ریال از محل مالیاتهای دریافتی منظور شده است. سران رژیم برای افزایش مالیات تلاش زیادی می‌کنند ولی این افزایش به اعتراف گردانندگان حکومت به حساب باقترا کم درآمدجا معناه مین می‌گردد. نخست وزیر در گزارشی خود می‌گوید: "ما حیان مشاغل، فقط یک سوم حقوق بگیران که قا عدا درآمدها یمان کمتر از صاحبان مشاغل است، مالیات می‌دهند"

در فاصله سالهای ۶۰ تا ۶۲ میزان مالیات بر درآمد بخش خصوصی از ۱۰ درصد کل مالیات به ۶/۴ درصد کل مالیات افزایش یافته است. این ارقام حاکی از آن است که حکام مرتجع هم مبلغ کل مالیات وهم درصد مالیات را همه ساله به حساب کارهای درآمد زحمتکشان و فلاکت بیشتر آنها افزایش می‌دهند. بودجه سردمداران مرتجع، شاکل ف بین چپاولگران و زحمتکشان را با زهم عمیق ترخواهد کرد و به تراکم ثروت در دست تجار و سرمایه‌داران بزرگ و تشدید فقر و فلاکت توده‌های زحمتکش مردم میهن ما منجر خواهد شد.

## سخنی با رفقا

اکنون با فداکاری شبانه روزی اعضا، هواداران و دوستداران سازمان اخبار، گزارشها، اطلاعات و اسناد بسیار زیادی در هرماه به نشریه کسار می‌رسد. علیرغم تلاشهای رژیم هرماه که می‌گذرد، بر میزان و حجم این اطلاعات افزوده می‌شود. موفقیت نشریه کار روخوانندگان آن در تحکیم رابطه ما با رفقا، نتایج بی‌شرفتی جنبش انقلابی، تحکیم بیشتر موفقیت فداییان خلق در مبارزه با رژیم و گسترش ابتکار آن در این مبارزه‌ها را ست. این موفقیت بنوبه خود راه پیروزیهای مردم را هموار می‌کند. چرا که کار با دسترس به این مجموعه اطلاعات، شناخت خود را زنده تر و وظایف خود را بهتر انجام می‌دهد. کار با استفاده از این مجموعه، توانسته است از روندهای جاری تصویر واقعی و تحلیل درست آرایه دهد، اخبار مبارزه مردم را منعکس کند، سمکتری امپریالیسم و ارتجاع علیه میهن و مردم را افشا کند. در نتیجه بر نفوذ و نقش سازمان در میان مردم و در جنبش بیافزاید و این جنبش را تقویت کند.

علیرغم آنکه صفحات نشریه کار محدود و مجموعه اخبار و اطلاعات ما هنوز زیادند، با دیدگویی که کار به طرق مختلف این مجموعه را مورد استفاده قرار می‌دهد، در هر شماره بخش کمی از اخبار رسیده، که انعکاس آنها در گسترش مقاومت و مبارزه مردم و یادداشت‌های چهره فدمردمی هیات حاکمه موشتر است، در نشریه درج می‌شوند. اما ما هانه بسودن کار، محدودیت صفحات آن، اجازه نمی‌دهد که کلیه اخبار و مقید بطور مستقل در هر شماره درج شوند. بخشی از اخبار در نشریه هفتگی اکثریت منتشر می‌شوند. البته بخشی از اخبار که به دست ما می‌رسد، که می‌شود انتشار آن را خود بخود غیر ضروری است. انتشار آرایه‌های از اخبار نیز از نظر ما لازم و امکان نیست. اینگونه اخبار، گزارشات و اطلاعات که مستقیماً انعکاس نمی‌یابند، در تحلیل و یادداشتها و در تنظیم مقالات نشریه کار مورد استفاده قرار می‌گیرند. تعدادی از مقالات اساساً بر پایه این اطلاعات تنظیم شده و می‌شوند. در اینگونه مقالات اگر این اطلاعات نبودند، تنظیم مقاله دشوار و ناممکن بود. بنابراین آنچه کار رفقا برای نشریه می‌فرستند، با اشکال مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند.

البته رفقا هر اندازه که اخبار، گزارشات و اطلاعات را دقیق تر تنظیم کنند، به همان اندازه قابل استفاده تر خواهند بود. در این زمینه اعضا، هواداران و دوستداران سازمان، با یاد و یاد و تکمیل جدا بودجه قرار دهند:

- اولاً - اخبار، گزارشها، اسناد و اطلاعات خود را در اسرع وقت بفرستند.
- ثانیاً - در خبر و گزارش، زمان، مکان، چگونگی رویداد و درجه موفق بودن آن را حتماً قید کنند و اسنادی که می‌فرستند توضیحات ضروری همسراه کنند.

در این صورت کلیه خبرنگاران و گزارشگران کار اخبار و گزارشات موفقیت آمیز را که برای ما می‌فرستند و انتشار آنها ضروری و لازم است در کار اکثریت یا دیگر نشریات سازمان می‌باشند و نقش و تاثیر خود را در غنای کار افزایش می‌دهند.

## تصویب قانون ارتجاعی "شوراهای اسلامی کار"

در اول بهمن ماه ۶۳، مجلس شورای اسلامی، قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار را به تصویب نهایی رساند. حدود یک سال پیش طرح این قانون با هدف دولت کردن شوراهای کارگری و تبدیل آنها به ارگانهای مشورتی مدیریت، در شورودوم به تصویب مجلس رسید. این "قانون" ارتجاعی بسیار دیگر از ظرف شورای نگهبان به مجلس بازگردانیده شد و بالاخره مجلس پس از وارد کردن اصلاحات مورد نظر شورای نگهبان، ارتجاع، در طرح مصوب سال پیش آنرا تصویب کرد.

مطابق اظهارات مخبر کمیسیون مشترک شوراهای مورد اخلاقی و کارگزاران و اسنادات شورای نگهبان به طرح مصوب مجلس این بوده است که گویا طرح در حالت قبلی اجازه می‌داد که شوراهای دولتی در برخی موارد در امور مدیریت معاذ خله کنند و این معاذ اخلاقی در شورای نگهبان ارتجاع مخالف قانون اساسی بود. علاوه بر آن شورای نگهبان گفته بود مطابق ماده ۱ طرح تعدد نمایندگان کارگران در شورای اسلامی کار "دو برابر نمایندگان مدیریت است و این نابرابری خلاف شرع است." همچنین گفته بود که کارگزاران عفو شورای نگهبان مدیریت اخراج می‌شوند، بنا به بدت صورتی دادگاه مربوطه، در شورای فعالیت کنند و بنا به این نسیز خلاف شرع است.

بقیه در صفحه ۳



### رژیم، مسئول فاجعه اعتیاد

از لحاظ سیاسی دشمنان خونخوار مردم ما ستون پنجم نفرت انگیزی از این تبهکاران و قربانیان تشکیل می دهند.

سیاست بغایت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در مورد افغانستان یکی از عوامل مهم شیوع مواد مخدر است. با ندهای ضد انقلابی و قاچاقچیان حرفه ای افغان و ویا کستانی و برخی از سردمداران مرتجع منطقه بلوچستان و سیستان که مورد حمایت همه جانبه رژیم قرار دارند، با سوء استفاده از فقر و فلاکت و جهل و عقب ماندگی مهاجرین افغانی، مواد مخدر را به تمام نقاط کشور منتقل می کنند. این با ندها از اردکنندگان اصلی تریاک ۳۵۰ هزار کیلوگرمی به کشوری ما باشند.

جنگ ویرانگر و توسعه طلبانه رژیم و عوارض شوم آن از عوامل عمده و زمینه ساز زگسترش اعتیاد و فساد است. اکنون دیکر ساله فساد گسترش یافته است و سایر نقاط درجه های ای جنگ به وفور مشاهده می شود بخصوص در میان بسیجی های جوان اعتیاد وسیع شیوع یافته است. بلاتکلیفی، نومیثدی و شرایط سخت جبهه ها و مهمتر از همه بی هدفی و نداشتن انگیزه روشن و پایدار، جوانان را به شدت تحت فشارهای روحی و روانی قرار می دهد در نتیجه ضعیف ترین آنها به مواد مخدر و سایر انحرافات روی می آورند.

گسترش تصادفی رشوه خواری، فساد و اختلاس در دستگاه دولت، قاعدتاً شکی با ونا منیهای شغلی و اجتماعی و ناسمعی بودن حدود اختیارات و مسئولیتها و ناسمعی بودن اختیارات و خودکامگی ما موریان، زمینه های بسیار مادی برای قاچاقچیان کردن کلفت و با صلاح مومن و مسلمان بوجود می آورد که با طرق شرعی و غیر شرعی به فعالیت تنگین خود ادامه دهند.

در جمهوری اسلامی مسئولیت نسبت به سر نشوشت و آینده جوانان میهنمان معنا و مفهومی ندارد. جوانان گوشه دم توپ است و وظیفه اصلی آن این است که به جبهه جنگ برود و در نبرد نبرد سازد. برقراری مقررات ارتجاعی در مدارس، دبیرستانها و دانشگاهها که مشخصاً چیزی جز ترویج و تبلیغ چاوسی، وروویی، ظاهری و هرگز نداشتن و پستی نیست، بستن دانشگاهها به روی دهها هزار جوان، محروم کردن جوانان از هرگونه وسیله تفریحی و پرورشی سالم، مبارزه با هنرپیشرو، تاسوسینسماو بکلی بوج و بی محتوا کردن آنها، جلوگیری و "حرام" کردن موسیقی مورد علاقه توده های مردم، تبلیغ و ترویج انواع خرافات و اوها و مطالب ضد علمی

اخیراً "دایره بین المللی کنترل مواد مخدر" وابسته به سازمان ملل متحد گزارش سالانه خود را در مورد وضعیت مواد مخدر در جهان منتشر کرده. مطابق این گزارش جمهوری اسلامی ایران در راس تمام کشورهای دنیا از لحاظ مصرف و اشاعه مواد مخدر و اعتیاد قرار می گیرد. این بخودی خود یک فاجعه بزرگ اجتماعی و ولکه سیاه و چرک آلود دیگری بر سر دامن تنگین سران خیانت پیشه و مرتجع جمهوری اسلامی است.

مطابق گزارش سازمان ملل متحد: در ایران حدود ۱/۵ میلیون نفر به تریاک و یک صدهزار نفر به استعمال هروئین که بیشتر قربانیان آن در میان جوانان شهری دیده می شود، مبتلا شده. تنها در ایران و پاکستان معتادین میان ۵۰۰ الی ۸۰۰ هزار کیلوگرم تریاک به مصرف می رسد.

ایجاد این فاجعه شوم در کشور به حدی گسترش یافته که سران رژیم نیز مجبور به اعتراف بیسده آن شدند. شش ماه پیش ( شهریور ماه ) سرهنگ صمیمی رییس شهربانی رژیم اعتراف کرده بود که ۴۰۰ هزار مخدریس از تاسیس جمهوری اسلامی چندین برابر شده است. چندی پیش اندکی بعد از انتشار گزارش سازمان ملل متحد، رادیو جمهوری اسلامی طی یک برنامه چند قسمتی در مورد مواد مخدر مباحی ای بسیار رییس شهربانی ترتیب داد. در این مصاحبه وی اعتراف کرده که تاکنون ۱۷ هزار کیلوگرم مواد مخدر کشف و ضبط ۷۰ هزار قاچاقچی بازداشت شده اند. او بار دیگر اذعان کرد که میزان اشاعه اعتیاد در قریب سالیان قبل از انقلاب بیشتر شده است.

بر اساس اعمال سیاستهای فدمردمی و ارتجاعی سران رژیم، متأسفانه سوداگران مرگ موفق شدند بخش بزرگی از جوانان میهنمان را قربانی منافس پلید و توطئه های جناحکارانه خود سازند. همه روز در گوشه و کنار با آنها معتادین با حالت وضعیست وقت انگیز دیده می شوند. این قربانیان نیز بنوبه خود در گسترش و آلوده تر ساختن محیط سهیم می شوند. محیطی که آنها می توانستند آن را به زندگی نکبت با رخودا داده دهند، فوق العاده کثیف و بکلی ضد اخلاقی است. عده ای از آنها به عوامل حلقه های گوش عالمین بزرگ و قاچاقچیان جناحکارانه تبدیل می شوند که به میدجوانان و حتی نوجوانان برای حمل و اختفای مواد مخدر و ممتد کردن آنها مشغول اند. بدون شک در میان این جمعیت ۵۰۰۰۰ نفری کسه در سرتاسر کشور پخش اند، صدها هزار رزق، فاسدان اخلاق، مولدین فساد و تباهی و رواج دهندگان انواع انحرافات اخلاقی و غیره برورده می شوند.

و خلاصه تلاش برای مذهبی کردن تمام شئون زندگی اجتماعی و فردی همه و همه شرایط اجتماعی و روانی مسا عدومستندی برای در غلطیدن جوانان به کام هولناک مواد مخدر و سایر انحرافات اخلاقی بوجود آورده است.

رژیم مدعی است که علیه قاچاقچیان مواد مخدر "قاپطمان" مبارزه می کند و مدعی است که با ایجاد مراکز و جوارها برای اصلاح بازساز معنای آنها را معالجه و به زندگی مادی باز می گرداند. قاطعیست رژیم چیزی جز یک رشته اعدامهای بی حساب و کتاب نیست. آنچه به عنوان آموزش و رشد دماغی و ذهن مطرح می کنند در واقع چیزی جز جسم اقامات بر بر منشا نیست.

در این زمینه اشاره ای گذرا به یکی از این مراکز واقع در نزدیکی گنبدکاووس به انداز که گویاست: این مرکز شامل ۲۵۰ الی ۳۰۰ معتاد است. داشتن ریش اجباری است. آب سرد غذای در هر سه وعده در روز منحصر به ناه و پنیر است. به کسی سیگار نمی دهند، کاروبیگاری اجباری است. وضع ظاهری آنها و اقامتگاهان دهنده است همگی با ریش بلند و کثیف و لباسهای کهنه و مندرس رنگهای بریده و زرد... به صورت انسانی نشانی نشیبه و شعی نگه داری می شوند. ماهی سه نفر بطور متوسط فوت می کنند. آنها بیکه مدت بیشتری در اردوگاه به سر برده اند، در چنین محیطی دیوانه شده اند. بسیاری "بازسازی شخصیت معتادین" هفته ای یک بار سخنرانی می کنند که در آن ضمن تهدید و فحاشی (ریگیک) دایما تاکید می کنند که "استکبار شرق و غرب" شما را به این روزا نداخته اند... چنین است نمونه ای گویا از این مراکز با صلاح سالم سازی. معتادین، بقیینا از این مراکز کسی سالم بیرون نمی آید.

خائنین به انقلاب برای توجیه مسؤلیت مستقیم خود در بوجود آوردن این فاجعه مدام از توطئه "انگلیزها" و "استکبار جهانی" و "شرق و غرب" سخن می گویند، آنها در بیانیه می گویند که کشورهای سوسیالیستی ربا کشورهای امپریالیستی در یک ردیف قرار داده، مردم را فریب دهند. کشورهای سوسیالیستی ده سال است ساله اعتیاد را بطور ریشه ای و بنیادی حل کرده و اصولاً باید به اعتیاد در اوربوریستند، این امپریالیستها و رژیمهای مرتجع چون جمهوری اسلامی هستند که درست متناسب با سیاستهای فساد مردمی خود زمینه این فاجعه های اجتماعی را فراهم می سازند. این رژیم جمهوری اسلامی است که با اقدامات و سیاستهای اقتصاد، اجتماعی و فرهنگی خود تبهکاری عظیمی در حق مردم ایران روا می دارد.

شده " مزارع قراردادی است بین دو طرف یا بیشتر برای زراعت در زمینی که به موجب آن زارع متعین می شود زمینی را در برابر سهمی از حاصل آن کشت نماید". بدینوسیله است در مزارع که از شیوه ها عقاب مانده فتودا ای است بزرگ مالکان که صاحب زمین و بیدروا بزار کشت اند، دهقانان زحمتکش را به بیگاری می خوانند که شیوه مرقابل شیوری کار آنها که طی یک سال زراعی همه مشاوب و زحمت کاشت داشت و برداشت محصول را به عهده دارند، سهم ناچیز از محصول را به آنان داده اند.

در بند (ب) ماده ۵۷ دربارها فعا لیت بخش خصوصی در بارگذاری آمده است: " در صورتیکه نیروی کار مالک درختها نشانی توانند بر طبق قرارداد مساقات به کار رمشون شده و در حدی از محصول بسا شریک شود... همچنین در ماده ۶۱ تصریح شده است که " مساقات قراردادی است بین شیوری کار و مالک درختان مشمره به عهده ای ریشه دار ثابت که به موجب آن شیوری کار متعهد می شود باغ را در برابر سهمی از حاصل آن آبیاری کند و در املاح و پرورش آنها اقدام نماید". بدین ترتیب دهقانان محروم مجبورند به کار مداوم و تنگداری از باغ بزرگ مالکان سرمایه داران که در شهرها و حتی خارج از کشور به خوش گذرانی مشغولند بپردازند و همه حاصل و نتیجه کار را به آنها بدهند. خودشان که عامل اصلی تولیدات سهم ناچیزی دریافت دارند.

بخش دوم لایحه مورد بحث که به " فعا لیت بخش خصوصی در کشت و زراعت" اختصاص یافته است به ترک مالکیت اراضی در دست بزرگ مالکان قانونیست بخشیده، عقب مانده ترین مناسبات فتودا لیسری احیا کرده و خواستار، مطالبات و مناسبات دهقانان برای کسب زمین از بزرگ مالکان را مانا دیده گرفتند. چنین لایحه ای، جزور کشتکی بیش از زمین اقتصاد دکان و زراعت کشور و فقر و محرومیت افزون دهقانان زحمتکش نتیجه دیگری به بار نخواهد آورد. این لایحه از آن دست طرحهایی است که وابستگین را از دلی کسب کسور به محمولات کشت و زراعت کشورها امپریالیستی را شدت بیشتر خواهد بخشید. با طرح ارتجاعی " خود شیوه های فعا لیت تولیدی بخش خصوصی" هیات خاکه مرتجع می خواه نظام سرمایه دار را با تمام کتافات آن و در اشکال بس واپس مانده و ختن باز سازی کند.

### تلاش زبوانه رژیم

فصل دوم لایحه مورد بحث به " فعا لیت بخش خصوصی در کشت و زراعت" اختصاص یافته و در واقع تکلیف مساله زمین را یکسر کرده است. این بخش از لایحه کرده است تا با استفاده از مناسبات فتودا لیسری ما قبل فتودا لیسری به حقیقت به ترین صورت دهقانان زحمتکش را استنما رکنند. در این بخش که در واقع لایحه زمین است، هیچ حرف و صحبتی از آواگسازی زمینهای بزرگ مالکان نه دهقانان بی زمین و زمین زمین در میان نیست. حکام خیانت کار جمهوری اسلامی بی شرمانه چشم خود را به روی معضل حدود ۴۰ میلیون خانوار دهقانان بی زمین و کم زمین بسته اند و تنها مالکیت بزرگ مالکان ۳/۵ میلیون هکتار از بهترین اراضی دایر کشت و زراعت قانونی کرده اند، بلکه استدان زالوهارا برای غصب زمینهای موات به همیزان باز گذاشته و به این امر جنبه قانونی داده اند.

بندهای الف و ب ماده ۹ و ماده ۱۰ لایحه مزیورتنها مواردی است که به زمینهای دایر (بند "د" سابق) اشاره شده است. در این بندها آمده است که: " زمین خراجی زمینی است که به صورت آباد... از غیر مسلمین در جنگی به امیران و اذن و لیسر معمول به قهر و غلبه به غنیمت گرفته شده است و " زمین آبادی که از غیر مسلمین در جنگی که بدون اذن یا امرولی معمول بوده به قهر و غلبه به غنیمت گرفته شده است. " اختیار اینگونه اراضی بسا والی مسلمین است و به هیچ وجه قابل تملک نیست". در اینجا بیچ و سخن از بزرگ مالکان و زمین خواران نیست، در اینجا سخن از " غیر مسلمی" است (نه بزرگ مالک مسلمان) که از سوی " ولی معصوم" (نه میلیونها دهقان زحمتکش محروم امورد هجوم) قرار گرفته باشد. در اینجا مساله تجا و زبده دیگر کشورهای و اشغال زمین مردم آنجا مطرح است که صد البته بزرگ مالکان و ولی معصوم آنها را اگر می کند.

شده دربارها از مواد دیگر این بخش از لایحه به زمینهای موات (بند "ج" سابق) و چگونگی مالکیت آنها، " احکام حریم" و " احکام متحجیر" و... از این

لذا کلات اختصاص یافته است. در سایر این مواد تصریح شده است که هیچکس حق تصرف زمینهای بی را که فتودا لیسری مالکان آنها کرده و در آنها مانده باشند، ولی مالک آنها اعراف نکرده باشد را نندارد. چنین زمینهای بی را به چهول آنها لکه که اعراف مالک آنرا ثابت نشده باشد قابل تصرف نیست و کماکان متعلق به مالک است. درمو ارد دیگر نیز به تنهایی و کچکترین الویوتی برای دهقانان محروم ویی چیز داریا اراضی موات در نظر گرفته شده است، بلکه بیکس سردمداران جمهوری اسلامی تسا توانستند بزرگ مالکان و سرمایه داران را در تصرف زمینهای موات یاری رسانند.

در ماده ۲۸ لایحه اشاره شده است که: " هرگاه کسی زمین موات را تحجیر نماید (بوسیله ای حدودش را مشخص سازد)... نسبت به محدوده تحجیر شده حقیق الویوت در احیاء پیدا می کند و دیگران حق ندارد بدون اجازه او آن محدوده را احیا نماید و اگر کسی آنرا احیا نماید مالک نمی شود". در ماده ۳۰ آمده است که: " هرگاه تحجیر کننده بیش از مقدار ری که می تواند احیاء کند، علامت گذاری کرد فقط نسبت به همان مقدار ری که توانایی دارد، حق الویوت پیدا می کند". یعنی اگر بزرگ مالکی کیلومتر در کیلومتر حدود زمینی را مشخص ساخت همه آن اراضی به مالکیت او در خوا هدد و هیچکس حق تعرض به وی را ندارد. چون کسبه های اواز بول ناشی از غارت دسترنج مردم پراست. بدین ترتیب لایحه ارتجاعی مورد بحث حتی زمینهای موات را عمل بطور عمده در اختیار بیسز بزرگ مالکان و خائنها و کلان سرمایه داران قرار داده است و دهقانان زحمتکش را محروم ساخته است. به قبول برخی نمایندگان در مجلس رژیم بدین ترتیب خائهای جدیدی پیدا خواهند شد.

بخشهای دیگر این لایحه به توفیح " عوامل تولید کشت و زراعت و سهم هر یک از آنها" و " فعا لیت بخش خصوصی در بارگذاری" اختصاص یافته است. در این قسمتها نیز کوشش شده است عقب مانده ترین روابط فتودالی نظیر مزارع و مساقات احیاء شود شرایط برای استنما و رشتا نه دهقانان زحمتکش توسط بزرگ مالکان بیش از پیش فراهم گردد. در ماده ۲۸ آمده است: " در صورتیکه مالک بزرگ مالک زمین ساز بر سوال می شود بقیینا آن نشانی است توانست از اجاره یا مزارع استفاده کند". در ماده ۲۳ تصریح

## از میان گزارشها

## اعتصاب در شهر صنعتی البرز

حدود دو ماه قبل کارگران واحدها و پرسنل شهر صنعتی البرز (در قزوین) به طوریکه چاره دست به اعتصاب بردند. علت اعتصاب اعتراض به نحوه برخورد مسئولین با طبقه بندی مشاغل بود. کارگران ضمن برپایی گردهمایی مطالبات خود را طرح کرده و اجرای آنها را خواستار شدند. این اعتصاب با استقبال دیگر کارگران شهر صنعتی البرز مواجه شد. پاسداران با اینکه اقدام به شناسایی و دستگیری فعالین اعتصاب نمودند، اما نتوانستند کارگران را به شکستن اعتصاب وادار سازند. در پی وعده های استانداران زنجان پس از سه روز اعتصاب خاتمه یافت.

## خبرهایی از مبارزات کارگران باختران

\* در شرکت بنا در واقع در باختران حدود ۲۵۰ کارگر کار می کنند. مسئولین این شرکت دستمزد ماهیانه کارگران را همواره با تاخیر بسیاری پرداخت می کردند. در ادامه این روش خلاف قانون، اخیراً به مدت چهار ماه پیاپی از اواخر تابستان تا ماه آذر به کلی از پرداخت دستمزد کارگران سرباز زدند. مراجعات مکرر کارگران برای دریافت دستمزد های معوقه چهار ماهه به نتیجه ای نرسید. در پی آن در نیمه آذر کارگران دست از کار کشیدند و در محل دفتر شرکت اجتماع کردند. اعتصاب تا چندین روز ادامه داشت و در پایان کارگران موفق شدند مدیران و مسئولین شرکت را به پرداخت همه مطالبات معوقه وادار کنند.

\* در شرکت صنعتی توزین، واقع در شهرک صنعتی باختران نیز کارگران در اعتراض به تاخیر همیشگی در پرداخت دستمزد ماهانه، دست به اعتصاب زدند. پس از دو روز اعتصاب، مدیریت تسلیم این خواسته برحق کارگران گردید و اعتصاب با پیروزی پایان یافت.

\* در سال ۶۰ یکی از کارگران مبارز کارخانه کشمیر باختران را به نام علی مفرطی به "جرم" اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، از کار اخراج کرده بودند. چندی پیش - در بیست و سوم آذرماه - این کارگر اخراجی در یکی از خیابانهای باختران با چند تن از ایادی انجمن اسلامی کارخانه روبرو شد. آنها راه را بر این کارگر مبارز بسته و او را زجر ممتد و لگسد گرفتند. او باش انجمن اسلامی با این وحشیگری در همان کنار خیابان علی مفرطی - این کارگر شریف را - به قتل رساندند. باین ترتیب جنایت دیگری در کارنامه جنایت جمهوری اسلامی ثبت شد.

## دو نمونه از مبارزات زنان زحمتکش

## علیه ارتجاع حاکم

\* از آغاز سال تحصیلی جاری، بسیاری از مهد-کودک ها را در سراسر کشور تعطیل نمودند. این اقدام برای خانواده ها و بویژه زنان کارگر و کارمند مشکلات بسیاری ایجاد کرده است. در طول ماه های گذشته در بسیاری از شهرهای کشور، علیه این تضییق تازه رژیم اعتراضات صورت گرفته است. از جمله در رشت زنان کارگر کارخانه کونی بافی در اعتراض به تعطیل مهد کودکان کارخانه چندین روز در جلوی در ورودی کارخانه تحصن کردند. این حرکت از حمایت دیگر کارگران نیز برخوردار بود. متحصنین در طی این مدت حتی برای صرف غذا، نیز محل را ترک نمی کردند. ما بجات آنها توسط همسرانشان به محل تحصن آورده می شد.

\* محله ایستنی ها در بندرعباس از محلات فقیرنشین می باشد. مردم این محله برای تامین آب آشامیدنی به شدت در مضیقه هستند. آب این محل گاه تا چندین شبانه روز توسط سازمان آب قطع می گردد. علیرغم اعتراض مکرر مردم اخیراً آب به مدت سه روز مجدداً قطع گردید. در اعتراض به این وضعیت زنان به اسناداری می گردیدند و مقابل بی تقاضی مسئولین در اسناداری بمدت سه روز تحصن می نمودند. تراکت زبر به همین مناسبت از سوی فعالین فدایی در بندرعباس، پخش گردید.

مردم زحمتکش بندرعباس، حرکت زنان زحمتکش محله ایستنی ها و تحصن بیش از ۵۰ نفر آنها در اسناداری، بعد از سه شبانه روز بی آبی، هتداری است به مسئولین که بجای طرحهای آبرسانی، متخصصین و کارشناسان آب را جهت طرحهای جنگی (طرح سلمان) به جبهه اعزام می کنند.

مردم مبارز بندرعباس! برای پایان دادن به بی آبی، جنگ و ویرانی علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنیم.

## تظاهرات گسترده ضد حکومتی

## مردم دورود

در دیماه در شهر دورود (واقع در استان لرستان) تظاهرات گسترده چندروزه ای علیه سردمداران حکومتی و سیاستهای آنها برپا شد. پیش خیر اقدامات شنیع و فسادانگیزی یکی از نزدیکان محمودی، امام جمعه این شهر، بر زمین نفرت عمیق مردم از اقدامات ضد مردمی حکومت و مسئولین منطقه، بویژه محمودی، باعث آغاز این حرکت اعتراضی شد.

در روز ششم دیماه مردم دورود، بطور همگانی در خیابانها براه افتادند و با شعار مرگ بر امام جمعه به راهپیمایی پرداختند. روز بعد در نماز جمعه، محمودی به تهدید مردم برخاست و اعلام داشت: مرگ بر محمودی یعنی مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی. او مردم را از عواقب این کار و شعار، برحذر داشت و بدنبال آن عسده کثیری دستگیر شدند.

با وجود این در روز بعد - هشتم دیماه - نیز تظاهرات تکرار شد. این بار مردم دورود علاوه بر شعارهای پیشین، شعارهایی برای آزادی زندانیان نیز می دادند. از آنجا که در میان باندهای حکومتی منطقه، اختلافات درگیریهای شدیدی بروز کرده بود، برای سرکوب مردم نفرت سپاه را از خرم آباد و واحدهای شهربانی را از بروجرد به دورود احضار کردند. آنها برای سرکوب کردها ساختن این تظاهرات گسترده اقدام به تیراندازی هوایی و پرتاب گاز اشک آور نمودند و بازهم گروه دیگری را دستگیر و روانه زندان ساختند. این اعمال وحشیانه بر آتش خشم مردم دامن زد. روز بعد - نهم دیماه - تظاهرات همچنان ادامه می یابد. بدستور مقامات حکومتی، نفرت ارگانهای سرکوب همانند روز قبل به تظاهرات کنندگان حمله ور شدند. در این روز ۲۵۰ تن از تظاهرات کنندگان را دستگیر کردند. از آنجا که زندانیهای شهر در پی دستگیریهای روز قبل برده شده بود، سائین ورزشی سرپوشیده را به زندان تبدیل کرده و بازداشت شدگان را در آنجا زندانی نمودند.

اما مردم دورود در روز دهم دیماه نیز تظاهرات را از سر گرفتند. این بار زنان در تظاهرات نقش و سهم عمده را داشتند.

تداوم این حرکات اعتراضی مردم دورود چنان سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را متنگار ساخت که از طرف ریاست جمهوری، هیئتی به سرپرستی میرعلی به این شهر اعزام شد. آنها با مردم به مذاکره پرداختند و به هر ترتیبی که می توانستند مردم را به پایان دادن به تظاهرات وادارند.

## گزارشی از ایلیچی

در شهر کوچک ایلیچی واقع در استان آذربایجان شرقی مدتی پیش ۶۸ نفر از اهالی را به اتهام "فصیح" زمینهای یکی از فتوادالها و زمین خواران معروف منطقه بنام اربابزاده فقیه، دستگیر کرده بودند. زمینهای مورد اختلاف، بخشی از اراضی موات حاشیه این شهر است که چند سال قبل گروهی از زحمتکشان این شهر آن را در ازاء پرداخت قیمت روز از شهرداری خریداری کرده بودند. این اراضی طبق قانون "اطلاعات ارضی رژیم پیشین از دست این فتوادال خارج شده بود. اما در سال جاری که فقهی دریافت همه چیز در حکومت جمهوری اسلامی به کام او است، یک بار دیگر دعوی سابق را از سر گرفت. مقامات قضایی نیز این دعوی را تأیید کرده و طی حکمی دستور دادند زمینهای مزبور به او تحویل داده شود. این در حالی است که زحمتکشان ایلیچی روی این زمینها خانه ساخته بودند. در پی مقاومت مشروع و برحق آنها بود که آیدستگیری وسیع صورت گرفت. اکنون که مدتی از این رویداد می گذرد، علیرغم همه اقدامات و پیگیریهایی که توسط اهالی صورت گرفت، هنوز ۴ تن از دستگیرشدگان در زندان هستند.

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در منطقه با وجود اینکه با اینگونه رذالتهای نفرت و انزجار مردم ایلیچی را بیش از پیش نسبت به خود بنا نگیخته اند، آنگهی را به این شهر فرستادند تا برای کمک به جبهه کارکنان، پیاز جمع آوری کنند. ایلیچی از مراکز اصلی تولید پیاز در کشور است و قیمت پیاز در سال جاری چنان تنزل کرده که حتی یک چهارم مخارج کاشت و برداشت را هم تامین نمی کنند. بهای پیاز در منطقه در ماه آذر برای هرمن تبریز (۵ کیلوگرم) فقط ۱ تومان بود. از این رو نتیجه زحمات یکساله کشاورزان این منطقه در انبارها در حال پوسیدن است. با وجود این مردم حاضر نشدند پیازهای در حال پوسیده شدن و بی مشتری را هم به اکیب جمع آوری کمک به جبهه تحویل دهند.

## پیام کمیته مرکزی سازمان به

## بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست فرانسه

## رفقای گرامی!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برگزاری کنگره حزب برادر، حزب کمونیست فرانسه را به شما شرکت کنندگان در کنگره، همه اعضا، حزب و طبقه کارگر فرانسه صمیمانه شادباش می گوید.

نبرد دیرینه حزب شما در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم جای برجسته ای در تاریخ مبارزات طبقه کارگر و بشریت ترقیخواه دارد. کمونیستها و سایر نیروهای میهن پرست و همه مردم ایران به یاد دارند که حزب شما همواره بطور پیگیر از مبارزاتشان پشتیبانی به عمل آورده است. اینک با ردیگر استبدادی قرون وسطایی برمیپهن ما حکم می راند، مرتجعین حاکم با عسنادی سفیاهی می گویند خرد، منطق و احساس پاک انسانی را با ترهات ارتجاعی و قتری خود به بند کشند و هر ندای مخالف را وحشیانه سرکوب کنند. جنگ میان ایران و عراق را که تا کنون مدتها هزار کشته و معلول بیار آورده است لجوجانسه ادامه می دهند و به این ترتیب زندگی مردم میهن ما را روز دوشوار و دشوارتر می کنند. نیز در جهت خواست دشمنان صلح جهانی، منطقه ما را متشنج می سازند.

در ایران نه تنها تمام سازمانهای انقلابی و مترقی و بویژه کمونیستها را به ردیبلانته ترین شکل ممکن سرکوب کرده و می کشند، بلکه هر حرکت اعتراضی و بخصوص مبارزات عادلانه طبقه کارگر به شدت مورد یورش ارگانهای سرکوب جمهوری اسلامی قرار می گیرد.

انقلابیون میهن ما که اینک در شرایطی چنین دشوار به نبرد علیه رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی ادامه می دهند، ایمان دارند روز روشن فردا چندان دور نخواهد بود. مردم ایران در این لحظات سخت مبارزه در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی برای یاریهای احزاب کمونیستی و کارگری و سایر نیروهای دمکراتیک آرزوی بسیاری قائل هستند.

رفقا! بیگمان تصمیمات متخذه در این کنگره تاثیر مهمی در مبارزه طبقه کارگر و مردم فرانسه در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم و همبستگی انترناسیونالیستی بر جای خواهد نهاد. ما صمیمانه برای کنگره و حزب شما آرزوی پیروزی می کنیم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## پیام تبریک به رفیق رزمآرسته

## رفیق گرامی!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) گزینش مجدد شما را به سمت دبیرکل حزب کمونیست فرانسه شادباش می گوید. برای شما در انجام وظایف بزرگی که بر عهده دارید آرزوی پیروزی می کنیم. بیگمان در آینده حزب کمونیست فرانسه تحت رهبری شما به پیروزیهای بازم بزرگتری دست خواهد یافت.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## پیام بمناسبت سالگرد تاسیس

## جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین

## رفقای عزیز!

بهترین شاد باشهای ما را بمناسبت سالگرد تاسیس جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین به پذیرید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همواره بطور پیگیر از مبارزات خلق فلسطین پشتیبانی به عمل آورده است. رزم استوار شما علیه امپریالیسم، میهنیسم و ارتجاع منطقه رزم مشترک ما است. با اغتنام فرصت یک بار دیگر همبستگی خود را با شما در مبارزه دلیرانه ای که پیش می برید ایران می داریم. ما با علاقتندی مساعی ستایش انگیز شما را در راستای تحکیم وحدتی رزمجویانه در صفوف جنبش مقاومت مردم فلسطین پیگیری کرده و برای آن آرزوی پیروزی می کنیم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کوششهای جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و همه نیروهای دمکرات و میهن پرست فلسطین در جهت طرد اشغالگران از سرزمینهای اشغال شده درود می فرستد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آغاز هفتمین سال انتشار کار

با انتشار کار شماره ۱۳، یک سال از آغاز انتشار دوره دوم کار و سال از انتشار اولین شماره آن می گذرد. در ۱۹ اسفند ۵۷ دوره اول کار با انتشار کار شماره ۱ آغاز شد. این دوره ۱۱ اسفند ۶۰ ادامه یافت. در این زمان بنا بر حکم غیرقانونی دادستان انقلاب مرکز "انتشار کار متوقف شد. علت توقیف، اعتراض به اقدامات سیاست ویرانه رژیم در زندان و اولین اعلام گردید، این فقط بخشی از حقیقت بودند. ما آن کار فقط جنایات رژیم در زندانها و سیاست سرکوب آن را افشاء نمی کرد، بلکه هر مورد از مواضع اقدامات سیاست ویرانه رژیم را که علیه منافع مردم بود پیرو افشاء می کرد. مبارزه مردم زحمتکش را سازمان می داد. افشای امپریالیسم و عوامل آن نظیر قطب زاده ها و بزدلی ها، افشای نقش ارتجاعی سرمایه داری ها و مراجع مرتجع و امثال لاجوردی، عسکری و لادویخ زلی برای سران رژیم و عوامل امپریالیسم قابل تحمل نبود. دلایل واقعی توقیف نشریه کار، کارنامه درخشان و سمال آن در افشای نیروهای مرتجع و دفاع قاطع از منافع زحمتکش بود.

با توقیف کار، بولتن سیاسی سازمان بخشی از وظایف آن را در تحلیل رویدادهای ایران و جهان بعهده گرفت و بیوزنه از اسفند ۶۱ تا اسفند ۶۲ در سطح گسترده در داخل کشور توزیع می شد. بولتن منبسط آگهی فعالین جنبش بود. بیوزنه در شرایط تبلیغات شدید ضد شوروی و ضد توده های هیات حاکمه پس از حمله به حزب توده ایران، بولتن اردیبهشت، تیروبان و ماه ۶۲ نقش برجسته ای در افشای اهداف ضد مردمی این تبلیغات ایفا کردند.

در اسفند ۶۲ اولین شماره دوره دوم کار ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتشار یافت. در مسقال آن گفته شد: "امیدواریم نشریه کار، این پرچم مبارزه انقلابی زحمتکش ایران، در سال نوهه سالهای مبارزه انقلابی مردم بتواند همچنان سلاح نیرومند طبقه کارگر سازمانگر مبارزه انقلابی و زبان گویا و حق طلب توده های وسیع خلق ما باشد.

اکنون یک سال از آن زمان می گذرد. کارنامه فعالیت یک ساله نشان می دهد که نشریه دواپس راستا وظایف خود را انجام داده است. انتشار کار بر بسیاری از همکاران که در کشور چهره روی می دهد، کار علاوه بر افشای گریز و فرار و بیگانه شدن در برابر نیروهای پیشرو و تهاجم مردم قرا داده است. برای مردم دشمنان از توضیح دهد. تحلیل و تفسیر رویدادها و روند عمومی آنان کا ملایجا و ضروری است. اما کافی نیست. مساله مهم آن است که مردم بدانند کدام وظیفه مشخص و کدام عمل معین را، آنچه در طبقه با بدین انجام دهند. کار در موازین مختلف و در مناسبت های گوناگون به این وظیفه متکی خود عمل کرده است. همچنین کار اخبار و وقایع و مبارزه مردم علیه رژیم را منعکس کرد. انعکاس گسترده این اخبار که بوسیله اعفاء و هواداران سازمان و دیگر خوانندگان نشریه گزارش می شود، تلاش رژیم را در مدخلی نگاه داشتن مبارزه مردم با شکستهای بیشتروبرتری می آید. انجام این وظایف با توجه به پیش گسترده کار امکان داده است. ما با کار به گوش مردم برسید و نقش فداییان خلق در جنبش توده های افزایش یافت. سال گذشته هزاران فدایی خلق در سراسر ایران تلاش کردند ارگان کمیته مرکزی سازمان خود را به مردم برسانند و ارگان را در کارخانه ها و ادارات و مسدود و روستا ها به دست دهها هزار زحمتکش میهن ما برسانند. کار کمک کرد تا وحدت سیاسی و ایدئولوژیک در سازمان بیش از پیش محکم شود و تشکیلات در شرایط استبدادی کنونی چون توحید واحدی عمل کند. کار مبارزه آن گروه از هواداران را که هنوز توسط سازمان متشکل نشده اند، نیز گسیان را که در راه مبارزه علیه رژیم گام نهاده اند و راههای این مبارزه را جستجو می کنند، سمت می دهد و هدایت می کند. در این مورد کار می تواند دوباره نقش بسیار بزرگتر از آنچه که اکنون انجام می دهد، بعهده گیرد. نشریه کار باید دهها هزار مبارز را که می خواهد علیه رژیم مبارزه کند، اما هنوز آن آمادگی و توانایی را کسب نکرده ایم تا سازمان را سازمان دهم، حول خود متشکل و متحد کند و مبارزه آن را سازمان دهد.

اکنون گسترش نقش وسیع کار در سازمان ندهی و ارتقاء مبارزات کارگران، زحمتکش و همه مردم ایران به این امر بسیار مهم و حیاتی مشروط شده است که نشریه تا چه میزان به دست مردم برسد و تا چه اندازه توده مردم آن را بچینند، بدون شک در شرایط استبدادی کنونی، موفقیت ما در این عرصه مبارزه بزرگ بوده است. اما هنوز به پیچوجو کافی نیست. جنبش انقلابی بسیار بیشتر از آنچه که ما توزیع می کنیم می طلبد، برای تقویت مبارزه انقلابی با یسند افزایش تشکیروپخش کار در مدرن وظایف اعفاء و هواداران سازمان قرار گیرد.

فراخوان برای کمک مالی

فراخوانی خوانندگانی که از نوروز تا اول ماه مبارک مبارک گرفتن تمام ایستگاهها را برای جمع آوری کمکهای مالی بر خیزند و سازمان را در مبارزه علیه سران مرتجع جمهوری اسلامی تا می توانند یاری دهند. انجام پیروزمندان این وظیفه انقلابی، بیوزنه امسال که چشم انداز وسیع گسترش فعالیت انقلابی سازمان پیش روی ما است از اهمیت فوق العاده برخوردار است. توجه داشته باشید که هر چه میزان کمکهای شما جمع آوری می کنید، مبارزه مهمتر آن تعداد کمتری است که شما از آنان کمک می گیرید. با بکارگرفتن ایستگاهها را خود بکشید و توده وسیع تری را در این مبارزه انقلابی پیروز سازید.

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اسفند ۱۳۴۳

آدمی با سرفراشته باید بزید

در ایران ما، هر روز و هر ماه یاد و خاطره شهیدانی است که در راه آرمانهای مردم و برای آزادی و آبادی میهن زمین در دوجان خویش را فدا کردند. در تاریخ سازمان ما از این نظر اسفندماه بسیار برجسته است. در دوران رژیم شاه، چهار بار رهبری سازمان ما در حمله قرا گرفت و تمام ایستگاههای رفقای رهبری شهیدان را در اسفندماه بوده است.

نخستین بار در روز ۲۶ اسفندماه سال ۱۳۴۹ سیزده تن از بنیانگذاران و کارکنان برجسته سازمان ما که حماسه ای را آفریده بودند، پس از تجمیل شکنجه های شدیدنا جوانمردانه جوخه اعدا سپرده شدند. رفیق علی اکبر مفاهی قرا هانی رهبر گروه و فرمانده عملیات سیا هکل همراه با همزمان با کبا ختاش، درواپسین دم اسفندماه پیشوا زتوروز و روزی در قتلش شهیدان قهرمانانه خود میثاقشان را با رنجبران ایران جاودان ساختند.

یک سال پس از آن، دریا زدهم اسفندماه ۱۳۵۰ تن دیگر از بنیانگذاران، رهبران و کارکنان برجسته سازمان ما به جوخه اعدا سپرده شدند. رفیق مسعود احمدزاده و همزمان سنت فداییان را پی گرفتند و پی افکندند، همانگونه که در میدان رزم، میدان شیراز و سایر نواحی رزمجویانه خویش به لزره آوردند.

رنج و رزم حماسی رفقای ما مثل آن بود که از ایمان عمیق آنان به راه آرمان مردم، از آرزوهای پاکشان برای آزادی کارگران و رنجبران و از عشق شورانگیزشان به سوسیالیسم برمی شد. مشعل فروزان این آرمانها و آرزوها دست به دست پیش آمد، گام به گام فروزانتر شد و فرا رویید. سازمانی که آنهایی افکندند، امروز پرچمدار ایستگاهها و رنجبران است و در پی جنبش نقش و جایی بیبدیل دارد. آنها پیروز شدند.

شهیدای ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ حماسه آفرینان سیا هکل

علی اکبر مفاهی قرا هانی - جلیل انفرادی - عباس دانش بیزادی - احمد قهرودی - شعاع الدین مشیدی - محمد علی محدث قندیجی - هوشنگ نیروی - اسما عیال معینی عراقی - هادی بندرخدا لنگرودی - غفور حسن پرواویل - ناسر سرفید خدای مفاهی - اسکندر رحیمی مسچی - هادی فاضلی

شهیدای ۱۱ اسفند ۱۳۵۰

مسعود احمدزاده هروی - عباس مفتاحی - بهمن آژنگ - حمید توکلی - غلامرضا گوی - اسداله مفتاحی - مهدی سوالونی - سعید آری - کریم حاجیان سه پله - مجید احمدزاده هروی

شهیدای ۲۲ اسفند ۱۳۵۰

مناف فلکی تبریزی - علیرضا نابدل - علی اصغر عرب هریسی - یحیی امین نیا - اکبر مویس - علی نقی آرش - حسن سرکاری - محمدعلی تقی زاده - جعفر اردبیلچی

حمید مومنی (بیدسخی) ۱۵ اسفند ۵۴ - صبا بیژن زاده ۹ اسفند ۵۵ - بهمن امیری دوان ۹ اسفند ۵۵ - فرید فرجاد اسفند ۵۴ - مجتبی خرم آبادی - اسما عیال علی پناه - محمد ربیعی - احمد فرنگ - علی مرادی

رفقا دوستان گرامی!

مطابق رسم همه ساله فداییان خلق از جشن نوروز تا جشن اول ماه مه را به جمع آوری کمکهای مالی اختصاص می دهند. سالهای گذشته در این روزها فداییان خلقی که کمک مالی در شهرها و روستاها میهنمان پخش می کردند و ایستگاهها تا تازه تر و تازه تری را برای گسترش فعالیت انقلابی سازمان قرا هم می ساختند. حتی سال گذشته نیز در اوج تلاشهای مذبوحانه رژیم علیه سازمان، تمبر مخصوص جمع آوری کمک مالی وسیع توزیع شد. کمکهای بی که سال گذشته جمع آوری شد، ایستگاهها تا مینوا رتباطی سازمان را گسترش داد و به تداوم و تقویت رزم انقلابی آن وسیع کمک کرد. تلاش فداکارانه اعفاء و هواداران سازمان در فروش تمبر مخصوص کمک مالی در سال گذشته با تقدیر و تحسین کمیته مرکزی سازمان ما پاسخ گفته شد.

امسال نیز کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) همه اعفاء و هواداران سازمان

نوروز را جشن میگیریم

نوروز در راه است. نوروزی که مردم از زیر بار آزادی و استقلال و در سبب بهترین روزها به پیشواژن شتابند تا غنچه ها و اندوهها را بزدا یند، سیا هیبساو شتابان را از زندگی دور کنند و با نوبد برپا بیزندگی نو سعادت بار بدهند و با یکویی بر خیزند. کودکان که نوروزی اندیشند، به لبهای رنگین و شا درو به آغوشهای سرشار از مهر و لیدین و خوشبو و نان جوانان که نوروزی اندیشند و قلبشان از زیدیدار یاران و دوستان و از مهر و عشق سرشار می شود. سالخوردهگان که نوروزی اندیشند، نسیم گرم جوانی را بر سرمای خود احساس می کنند و توانایی تازه می گیرند.

در آستانه نوروز بسیاری از خانواده های میهن ما در تمام عزیزان هستند. در تمام عزیزانسی که تیرباران شدند، زیر شکنجه شهید شدند، در چپه ها به شهادت رسیدند، بر بوده و سر به نیست شدند یا هم اکنون در کجای زندان و زیر شکنجه اند. این رژیم بوقلمن مهربان صدها هزار زن و مرد و ما در نوروز خنجر فقرت فروشانند. نوروز روز مبارک دبا این عزیزان است. روزی که آنها اندوه عزیزان از دست رفته و اسیر شده شان را در پیانه و مهر و همبستگی دوستان و آشنایان می کا هند.

نوروز سلام گرمی است که در سراسر کشور طنین می افکند. بوسه پر مهر مردم بر گونه های یکدیگر است. دستهای گرمی است که به گرمی فشرده می شود. مردم علیه رجم خواست حکومت و با وجود سرنوشت سزا داران، همه ساله در روز چهارشنبه سوری آتش می کنند، عید را برگزار می نمایند به دیدن و باز دیدم میروند و روز سیزده می گوشه بندگی سنت زیبا سیزده بدر را اجرا کنند. مردم با سدا راز فرهنگ و سنتهای ملی خود به سبب فرهنگ بی روح و ارتجاعی حاکم بر می خیزند.

امسال هم مردم میهن ما جشن نوروز را به کوری چشم مرتجعین حاکم برگزار می کنند. بکوشیم تا این جشن هر چه باشکوه تر برگزار شود.

در جشن شرکت کنیم. در دیدن با زیدیدا با دوستان و آشنایان به محبت بشینیم. در دهه های مردم را با زگو کنیم. ارتجاع را افشا کنیم. به مردم بگوییم که در سال گذشته مبارزه تا چه حد در شرکتدو ارتجاع تا چه حد در بر جان رزفت. به آنها بگوییم که سرنوشت کشور تا چه حد به مبارزه آنها وابسته است. مردم را برای گسترش پیکار علیه ارتجاع دعوت کنیم.

فداییان خلق در دیدن با زیدیدا مردم را از بر نامه سیاست سازمان و از دستاوردهای آن آگاه سازند. آنها را دعوت کنند که برای تقویت و گسترش جنبش به صفوف سازمان بپیوندند و از آن حمایت کنند. کمک های مالی را جمع کنند و اهمیت و ضرورت آنرا برای فعالیت انقلابی سازمان توضیح دهند. فداییان خلق پیام اتحاد سازمان خود را همه جا برسانند.

نوروز را جشن بگیریم و هر خانه ای را با امید و راسخ به پیروزی مردم آدین بشینیم.

آدرس: Pf. 10 1091 WIEN AUSTRIA اتریش حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER

پیش بسوی جبهه متحد خلق